بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۳۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

فیلم تحلیل آموزشی آزمون امروز

برای مشاهدهٔ فیلم‌ها در سایت کانون، کد روبه‌رو را با دوربین تلفن همراه خود اسکن کنید.

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد اسدی، محمد بحیرایی، محمد پردل نظامی، احمد حسن‌زاده‌فرد، رضا خانبابائی، پیمان طیار، علیرضا عبدی، هادی فولادی، فرشید کریمی، عباس مالکی، محمد نظامی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، امیرحسین اشتری، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، سعید جعفری، رضا رنجبری، فرهاد علی‌نژاد، مهدی فروتن، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، الهام محمدی، یاسین مهدیان، هومن نمازی
جامعه‌شناسی	رانیا امیری، ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، جواد جلیلیان، امیرحسین خزایی، مریم خسروی دهنوی، فاطمه رضائیان، یاسین ساعدی، سینا غلامی، مهراد کرمی، سید آرش مرتضائی‌فر
روان‌شناسی	یاس‌فاطمه ابراهیمیان، حمیدرضا توکلی، محمد حبیبی، محمدعرفان فرهادی
عربی زبان قرآن	ولی برجی، ابوطالب درانی، محمدرضا سوری، امیرحسین شکوری، کامران عبداللهی، حمیدرضا قائدامینی، مصطفی قدیمی‌فرد، مرتضی کاظم‌شیرودی، روح‌الله گلشن، سید محمدعلی مرتضوی
تاریخ و جغرافیا	فاطمه احمدی، علیرضا پدرام، جواد جلیلیان، یاسین ساعدی، فاطمه عزیزی، آیدا فتاح‌زاده، فرزانه ناظمی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، پرگل رحیمی، موسی سپاهی، حمید سودیان، فرهاد قاسمی‌نژاد، محمد قربانی، امیرمحمد قلعه‌کاهی، محمد کرمی‌نیا، علی معزی، فیروز نژادنجف
اقتصاد	نسرین جعفری، آفرین ساجدی، احسان عالی‌نژاد، مهدی کاردان، محمدحسین متولی، زهرا محمدی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	مهدی ملارمضانی عباس مالکی، امیر شریفی‌نسب	مسئول درس: الهه شهبازی ویراستار: مهسا محمدنیا، معصومه صنعت‌کار، سجاد سلیمی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	زهرا توکلی	مسئول درس: فریبا رئوفی ویراستار: محسن جمشیدی، مائده ملکی، مهدی یعقوبیان
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضائی‌فر	سید آرش مرتضائی‌فر	مریم خسروی دهنوی نگین مرسلی	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سیدمجتبی رضازاده، علی ابراهیمی آرانی، امیررضا علیزاده
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	ملیکا ذاکری سینا غلامی، ایلیا قنبری	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: مریم عابدی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	مسئول درس: لیلا ایزدی ویراستار: مسلم احمدنژاد، محسن جمشیدی، امیررضا علیزاده
تاریخ و جغرافیا	محمدمهدی یعقوبی	محمدمهدی یعقوبی	فاطمه عزیزی، تابان صیقلی علیرضا سالمی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: یحیی بلوچی، مصطفی وکالتی
فلسفه و منطق	سیده سمیرا معروف	فرهاد علی‌نژاد	امیرمحمد قلعه‌کاهی ایمان کلاته‌عربی	مسئول درس: سوگند بیگلری ویراستار: علی بدری، محمدحسین صادق‌پور
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	سینا غلامی نگین مرسلی	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سیدمجتبی رضازاده، امیررضا علیزاده، علی ابراهیمی آرانی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

سؤالاتی که با نشانگر نهایی مشخص شده‌اند، مشابه سؤالات امتحانات نهایی هستند. با تمرین این دسته از سؤالات می‌توانید در امتحانات نهایی عملکرد بهتری داشته باشید.

گروه آموزشی قلم‌چی
گروه آموزشی قلم‌چی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینهٔ «۴» *(محمد نظامی)*

گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

گزینهٔ «۱»: پس از ارتکاب خطا با بررسی دقیق می‌توانیم خطاها را تصحیح کنیم.

گزینهٔ «۲»: تفسیر و نتیجه‌گیری از داده‌ها مربوط به گام پنجم است.

گزینهٔ «۳»: برای توصیف داده‌های کیفی، گزارش درصد همیشه باید همراه با گزارش تعداد باشد.

گزینهٔ «۴»: درست است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۲- گزینهٔ «۳» *(عباس مالکی)*

الف) روش نمونه‌گیری در مرحلهٔ طرح و برنامه‌ریزی و نمونه‌گیری در مرحلهٔ گردآوری داده انجام می‌شود.

ب) ارائهٔ نمودارها در مرحلهٔ چهارم تحلیل داده‌ها انجام می‌شود.

ج) سازمان‌دهی داده در گام گردآوری داده و مرتب کردن داده‌ها در گام تحلیل داده انجام می‌شود.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، متن کتاب درسی، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۶)

۳- گزینهٔ «۲» *(محمد اسدی)*

با توجه به گام‌های چرخهٔ آماری داریم:

الف) طرح یک پرسش دقیق و شفاف $\xleftarrow{\text{گام ۱}}$ بیان مسئله

ب) طراحی پرسشنامه و انتخاب روش جمع‌آوری داده‌ها $\xleftarrow{\text{گام ۲}}$ طرح و برنامه‌ریزی

پ) وارد کردن پاسخ‌ها در جدول $\xleftarrow{\text{گام ۳}}$ گردآوری و پاک‌سازی داده

بنابراین پاسخ صحیح گزینهٔ «۲» است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، متن کتاب درسی، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۴- گزینهٔ «۳» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

با توجه به افزایش یک واحدی هر داده نسبت به دادهٔ قبل و تعداد داده‌ها (فرد)، جملهٔ میانی مرتب شده همان میانگین یا $\bar{x}$ است.

$$a, a+1, \underbrace{a+2}_{\bar{x}}, a+3, a+4$$

از راه فرمول هم قابل محاسبه است.

$$\bar{x} = \frac{(a)+(a+1)+(a+2)+(a+3)+(a+4)}{5}$$

$$= \frac{5a+10}{5} = a+2 \quad \text{و} \quad \bar{x} = 20 = a+2$$

$$a = 20-2 = 18$$

$$\sigma^2 = \frac{(x_1-\bar{x})^2 + \ldots + (x_n-\bar{x})^2}{n}$$

$$= \frac{4+1+0+1+4}{5} = 2 \Rightarrow \sigma = \sqrt{2}$$

$$b = \bar{x} + \sigma$$

طبق مفهوم نمودار

$$b = 20 + \sqrt{2}$$

$$a - b = 18 - 20 - \sqrt{2} = -2 - \sqrt{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۵- گزینهٔ «۱» *(هادی فولادی)*

می‌دانیم طول میله در نمودارهای داده‌شده برابر انحراف معیار است. بنابراین نمودار (الف) انحراف معیار بزرگتری دارد و هر چه انحراف معیار بزرگ باشد، بدین معنی است که داده‌ها با هم اختلاف بیش‌تری دارند و احتمال وجود دادهٔ دورافتاده بیشتر است. بنابراین نمودار (الف) نیاز به نمودار جعبه‌ای دارد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۶- گزینهٔ «۲» *(محمد بحیرایی)*

موارد (الف) و (ب) درست هستند.

در مورد (ج) می‌توان از دو رقم آخر کدپستی استفاده کرد تا از وجود همهٔ اقشار خانواده‌ها از همهٔ مناطق شهری باشیم.

در استفاده از دو رقم اول کدپستی، برخی مناطق فقط مورد بررسی قرار می‌گیرند.

استفاده از دو رقم اول کدپستی به خاطر اینکه در مناطق شهری یکسان دو رقم اول کدپستی یکسان است، معیار مناسبی برای انتخاب نمونه نیست و به جای آن می‌توان از دو رقم آخر کدپستی استفاده کرد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

۷- گزینهٔ «۴» *(محمد بحیرایی)*

با توجه به توزیع داده‌ها و نداشتن دادهٔ دورافتاده در متغیر سن از میانگین و انحراف معیار استفاده می‌کنیم.

اما در متغیر نمرهٔ ریاضی دادهٔ دورافتاده داریم و به همین دلیل از میانه و دامنهٔ میان چارکی استفاده می‌کنیم.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، مثال کتاب درسی، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۸- گزینهٔ «۱» *(محمد بحیرایی)*

برای انتخاب نمونه می‌توان به $\binom{80}{20}$ روش نمونه را انتخاب کرد. از طرفی داریم:

$$C(80,20) = \binom{80}{20} = \binom{80}{60}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۳۷)

۹- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

چون داده‌ها مرتب‌شده هستند، پس دادهٔ وسط یعنی a میانه است. بنابراین میانگین داده‌ها برابر با a است. رابطهٔ میانگین را می‌نویسیم.

$$\bar{x} = \frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}} \Rightarrow a = \frac{3+5+a+11+13}{5}$$

$$\Rightarrow 5a = a+32 \Rightarrow 4a = 32 \Rightarrow a = 8$$

پس داده‌ها ۱۳، ۱۱، ۸، ۵ و ۳ هستند که میانگین آن‌ها ۸ است. انحراف معیار آن‌ها را حساب می‌کنیم:

$$\sigma = \sqrt{\frac{(3-8)^2 + (5-8)^2 + (8-8)^2 + (11-8)^2 + (13-8)^2}{5}}$$

$$\Rightarrow \sigma = \sqrt{\frac{۲۵+۹+۰+۹+۲۵}{۵}} \Rightarrow \sigma = \sqrt{\frac{۶۸}{۵}} = \sqrt{۱۳/۶}$$

پس مقدار b بر روی نمودار برابر با $\bar{x} + \sigma = ۸ + \sqrt{۱۳/۶}$ است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۳۵)

۱۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

اطلاعات ارائه‌شده در صورت سؤال، برای بررسی عملکرد مدرسه‌ها کافی نیست و باید تعداد دانش‌آموزان قبول شده در سال ۹۹ در هر دو مدرسه گزارش شود تا بتوانیم مقایسه کنیم.

توجه کنید که بیشتر بودن درصد افزایش قبولی‌ها در مدرسه A، الزاماً به معنی عملکرد بهتر مدرسهٔ A نیست. برای مثال اگر تعداد قبولی‌های مدرسهٔ A در سال ۹۹، دو نفر و در سال ۱۴۰۰، سه نفر شود، در نتیجه ۵۰٪ آمار قبولی‌ها بیشتر شده است. در مقابل، اگر تعداد قبولی‌های مدرسهٔ B در سال ۹۹، ۳۰ نفر بوده و در سال ۱۴۰۰ به عدد ۳۶ برسد، در این صورت آمار قبولی‌ها ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. بدیهی است که در این سناریو، عملکرد مدرسهٔ B بهتر بوده است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۳۷)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینهٔ «۴» *(رضا خانبابائی)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: متغیر s تابعی است برحسب شعاع دایره

گزینهٔ «۲»: محیط دایره تابعی است برحسب شعاع دایره $= ۲\pi r$ محیط

گزینهٔ «۳»: متغیر r مستقل است و s وابسته به متغیر r می‌باشد.

گزینهٔ «۴»: مقدار $\pi = \frac{\text{محیط}}{\text{قطر}}$ و یک عدد ثابت است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۳)

۱۲- گزینهٔ «۴» *(علیرضا عبدی)*

در گزینهٔ «۴» هر چند دو مؤلفهٔ $\sqrt{۴}$ و ۲ برابرند، اما مؤلفهٔ دوم آن‌ها (۶) نیز با هم برابرند. لذا یک عضو در مجموعه تکرار می‌شود که باید حذف شود. پس این رابطه یک تابع است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۹)

۱۳- گزینهٔ «۲» *(محمد پردل نظامی)*

می‌دانیم برد تابع خروجی تابع است. پس ما باید به‌دنبال ورودی‌های تابع باشیم.

$$f(x) = ۲x + ۵ = ۰ \Rightarrow ۲x = -۵ \Rightarrow x = \frac{-۵}{۲}$$

$$f(x) = ۲x + ۵ = ۲ \Rightarrow ۲x = -۳ \Rightarrow x = \frac{-۳}{۲}$$

$$f(x) = ۲x + ۵ = ۸ \Rightarrow ۲x = ۳ \Rightarrow x = \frac{۳}{۲}$$

$$A = \{-\frac{۵}{۲}, -\frac{۳}{۲}, \frac{۳}{۲}\}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۶۲)

۱۴- گزینهٔ «۴» *(پیمان طیار)*

$$\text{دامنه} = \{۱,۲,۳\} = \{۱,۲,۳,a\} \Rightarrow \begin{cases} a = ۱ & \text{فرض اول} \\ a = ۲ & \text{فرض دوم} \\ a = ۳ & \text{فرض سوم} \end{cases}$$

گزینهٔ «۲»: $\text{برد} = \{۵,۵a, ۳a-۱\} \xrightarrow{a=۱} \{۵,۵,۲\} = \{۵,۲\}$

گزینهٔ «۳»: $\text{برد} = \{۵,۵a, ۳a-۱\} \xrightarrow{a=۲} \{۵,۱۰,۵\} = \{۵,۱۰\}$

گزینهٔ «۱»: $\text{برد} = \{۵,۵a, ۳a-۱\} \xrightarrow{a=۳} \{۵,۱۵,۸\}$

پس تنها گزینه‌ای که نمی‌تواند باشد، فقط گزینهٔ «۴» خواهد بود.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۵)

۱۵- گزینهٔ «۴» *(محمد نظامی)*

با توجه به این‌که در زوج مرتب‌های $(۱,-۶)$ و $(۱,۲m^۲ - ۷m)$ مؤلفه‌های اول یکسانند، برای این‌که f تابع باشد مؤلفه‌های دوم این زوج مرتب‌ها هم باید برابر باشند، پس:

$$۲m^۲ - ۷m = -۶ \Rightarrow ۲m^۲ - ۷m + ۶ = ۰$$

$$\Rightarrow \Delta = ۴۹ - ۴(۲)(۶) = ۱ \Rightarrow \begin{cases} m = \frac{+۷+\sqrt{۱}}{۴} = ۲ \in \mathbb{Z} & \text{ق ق} \\ m = \frac{+۷-\sqrt{۱}}{۴} = \frac{۳}{۲} \notin \mathbb{Z} & \text{غ ق ق} \end{cases}$$

مقدار $m = ۲$ را در f قرار می‌دهیم:

$$f = \{\underbrace{(۲,۲n^۲ + n)}_{\text{مؤلفه اول‌ها برابرند}}, (۲,۳), (۱,-۶)\}$$

مطابق توضیحات بالا دو زوج مرتب با مؤلفه‌های اول برابر، مؤلفهٔ دوم‌های برابر داریم:

$$۲n^۲ + n = ۳ \Rightarrow ۲n^۲ + n - ۳ = ۰ \Rightarrow \begin{cases} n = ۱ \in \mathbb{Z} & \text{ق ق} \\ n = \frac{-۳}{۲} \notin \mathbb{Z} & \text{غ ق ق} \end{cases}$$

$$m^۲ + n^۲ = (۲)^۲ + (۱)^۲ = ۵$$

نکته: در یک معادلهٔ درجهٔ دوم به فرم $ax^۲ + bx + c = ۰$ اگر $a + b + c = ۰$ ریشه‌ها عبارتند از: $\begin{cases} x_۱ = ۱ \\ x_۲ = \frac{c}{a} \end{cases}$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۹)

۱۶- گزینهٔ «۴» *(فرشید کریمی)*

$$(a, ۴a^۲) = (a, ۴a-۱) \Rightarrow ۴a^۲ = ۴a - ۱$$

$$\Rightarrow (۲a-۱)^۲ = ۰ \Rightarrow a = \frac{۱}{۲}$$

$$(a^۲ + b, ۴a-۱) = (a^۲ + b, ۲b) \Rightarrow ۴a - ۱ = ۲b = ۱ \Rightarrow b = \frac{۱}{۲}$$

$$(b+c, ۴a^۲) = (b+c, c^۲) \Rightarrow ۴a^۲ = c^۲$$

$$\Rightarrow c^۲ = ۱ \Rightarrow \begin{cases} c = ۱ \\ c = -۱ \end{cases}$$

$$c = ۱ \Rightarrow b + c = \frac{۱}{۲} + ۱ = \frac{۳}{۲} \Rightarrow (\frac{۳}{۲}, ۱) \neq (\frac{۳}{۲}, ۲)$$

تابع نیست

ایران توشه — توشه‌ای برای موفقیت

تابع است

$$c=-۱\Rightarrow b+c=\frac{۱}{۲}-۱=-\frac{۱}{۲}$$

$$\Rightarrow c=-۱ \text{ ق ق}$$

$$f=\{(\frac{۱}{۲},۱),(\frac{۳}{۴},۱),(-\frac{۱}{۲},۱),(\frac{۳}{۲},۲)\}$$

$$\begin{cases}R_f=\{۱,۲\}\Rightarrow ۱+۲=۳\\ D_f=\{\frac{۱}{۲},\frac{۳}{۴},\frac{-۱}{۲},\frac{۳}{۲}\}\Rightarrow \frac{۱}{۲}+\frac{۳}{۴}-\frac{۱}{۲}+\frac{۳}{۲}=\frac{۹}{۴}\end{cases}$$

$$۳-\frac{۹}{۴}=\frac{۳}{۴}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۵ تا ۵۵)

۱۷- گزینهٔ «۳» *(فرشید کریمی)*

با توجه به شکل داده‌شده می‌توان گفت که دهانه سهمی رو به پایین است، بنابراین ضریب $x^۲$ باید منفی باشد. (رد گزینهٔ ۴). از طرفی، عرض از مبدأ سهمی نیز منفی است، لذا در معادلهٔ سهمی $y=ax^۲+bx+c$، عدد ثابت c باید منفی باشد و همچنین نمودار سهمی محور x ها را در دو نقطه قطع کرده است. بنابراین در معادلهٔ برخورد سهمی با محور $y=۰$، $\Delta>۰$ است، حال به بررسی شرط $\Delta>۰$ در سایر گزینه‌ها می‌پردازیم:

گزینهٔ «۱»:

$$y=-x^۲+۲x-۱\Rightarrow \Delta=(۲)^۲-۴(-۱)(-۱)=۴-۴=۰$$

گزینهٔ «۲»:

$$y=-\frac{۱}{۲}x^۲+x-۲\Rightarrow \Delta=(۱)^۲-۴(-\frac{۱}{۲})(-۲)=۱-۴=-۳$$

گزینهٔ «۳»:

$$y=-\frac{۲}{۳}x^۲+۲x-۱\Rightarrow \Delta=(۲)^۲-۴(-\frac{۲}{۳})(-۱)=۴-\frac{۸}{۳}=\frac{۴}{۳}$$

فقط در معادلهٔ موجود در گزینهٔ «۳»، $\Delta>۰$ بوده و همین گزینه صحیح است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۸- گزینهٔ «۲» *(رضا قانبابائی)*

معادلهٔ محور تقارن سهمی $y=-x^۲+bx+۱$ را می‌نویسیم.

$$x_S=\frac{-b}{۲a}=\frac{-b}{۲(-۱)}\Rightarrow x_S=\frac{b}{۲}$$

چون محور تقارن از ناحیهٔ سوم محور مختصات عبور می‌کند، پس $\frac{b}{۲}$ منفی و در نتیجه $b<۰$ است.

$$y=۵ \text{ رأس سهمی روی خط } \Rightarrow y_S=۵\Rightarrow \frac{-\Delta}{۴a}=۵$$

$$\frac{-(b^۲-۴ac)}{۴a}=۵\Rightarrow \frac{-(b^۲-۴(-۱)(۱))}{۴(-۱)}=۵$$

$$\frac{-(b^۲+۴)}{-۴}=۵\Rightarrow b^۲+۴=۲۰$$

$$b^۲=۱۶\Rightarrow \begin{cases}b=۴ \text{ غ ق ق}\\ b=-۴ \text{ ق ق}\end{cases}$$

چون $b<۰$ است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۹- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور سراسری ۱۴۰۱ – نوبت اول دی‌ماه)*

تعداد کالا را x و هزینهٔ تولید را y در نظر می‌گیریم. طبق فرض اگر تعداد کالا $x=۲۰$ باشد، هزینه $y=۸۵۰$ و اگر تعداد کالا $x=۲۵$ باشد، هزینه $y=۱۰۰۰$ است. بنابراین دو نقطهٔ $(۲۰,۸۵۰)$ و $(۲۵,۱۰۰۰)$ را داریم. معادلهٔ خط گذرنده از این دو نقطه را به دست می‌آوریم:

$$\text{شیب: } m=\frac{y_۲-y_۱}{x_۲-x_۱}=\frac{۱۰۰۰-۸۵۰}{۲۵-۲۰}=\frac{۱۵۰}{۵}=۳۰$$

$$\text{معادلهٔ خط: } y-y_۱=m(x-x_۱)\Rightarrow y-۸۵۰=۳۰(x-۲۰)$$

$$\Rightarrow y-۸۵۰=۳۰x-۶۰۰\Rightarrow y=۳۰x+۲۵۰$$

بنابراین تابع هزینه برابر با $C(x)=۳۰x+۲۵۰$ است. از طرفی شرکت هر کالا را ۵۵ تومان می‌فروشد، پس تابع درآمد برابر با $R(x)=۵۵x$ است. تابع سود برابر است با:

$$\text{سود} = \text{درآمد} - \text{هزینه} \Rightarrow P(x)=R(x)-C(x)$$

$$\Rightarrow P(x)=۵۵x-(۳۰x+۲۵۰)=۲۵x-۲۵۰$$

حال تعداد کالایی را می‌یابیم که به ازای آن، سود صفر می‌شود:

$$P(x)=۰\Rightarrow ۲۵x-۲۵۰=۰\Rightarrow ۲۵x=۲۵۰\Rightarrow x=۱۰$$

بنابراین به ازای فروش ۱۰ کالا، سود صفر می‌شود، پس با فروش ۱۱ کالا سوددهی آغاز خواهد شد.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحهٔ ۶۲)

۲۰- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور سراسری ۱۴۰۱ – نوبت دوم تیرماه)*

طول مستطیل را x و عرض آن را y در نظر می‌گیریم. محیط مستطیل ۳۰ متر است، پس داریم:

$$\text{محیط مستطیل} = ۲(\text{طول} + \text{عرض}) \Rightarrow ۲(x+y)=۳۰$$

$$\Rightarrow x+y=۱۵\Rightarrow y=۱۵-x$$

راه حل اول: مساحت مستطیل برابر است با:

$$\text{مساحت مستطیل} = \text{عرض} \times \text{طول} \Rightarrow S=xy$$

$$\xrightarrow{y=۱۵-x} S=x(۱۵-x)=-x^۲+۱۵x$$

ماکزیمم مقدار S برابر با عرض رأس سهمی است، بنابراین:

$$S_{max}=-\frac{\Delta}{۴a}=-\frac{۱۵^۲-۴(-۱)(۰)}{۴(-۱)}=\frac{۱۵^۲}{۴}=\frac{۲۲۵}{۴}=۵۶/۲۵$$

راه حل دوم: طبق نکتهٔ درس، با توجه به اینکه مجموع طول و عرض برابر با $x+y=۱۵$ است، زمانی مساحت $S=xy$ ماکزیمم می‌شود که دو مقدار با هم برابر و هر کدام نصف مقدار ثابت باشند:

$$x=y=\frac{۱۵}{۲}$$

$$\xrightarrow{S=xy} S_{max}=\frac{۱۵}{۲}\times\frac{۱۵}{۲}=\frac{۲۲۵}{۴}=۵۶/۲۵$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحهٔ ۷۰)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۲۱- گزینهٔ «۳» *(فرهاد علی‌نژاد)*

کشف‌الاسرار و عدةالابرار: از نمونه‌های نثر موزون که ابوالفضل میبدی آن را تحت تأثیر خواجه عبدالله انصاری نوشت.

کلیله و دمنه: نخستین نمونهٔ نثر فنی که ابوالمعالی نصرالله منشی در سال ۵۳۶ هجری قمری به نگارش درآورد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۲۲- گزینهٔ «۲» *(عزیز الیاسی‌پور)*

ب) علاقهٔ شاعران به سرودن غزل فراوان است. در این دوره انوری و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند.

ج) ناصرخسرو جزء شعرای آذربایجانی نیست.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۳- گزینهٔ «۱» *(سعید جعفری)*

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ «۲»: سید اشرف‌الدین گیلانی از شاعران سنت‌گرای این دوره نبود.

گزینهٔ «۳»: عبارت‌های وصفی دور و دراز و لفظ‌پردازی‌های بی‌جا در نامه‌ها و نوشته‌ها کاهشی آشکار می‌یابد.

گزینهٔ «۴»: شاعرانی که به زبان مردم کوچه و بازار شعر می‌گفتند، به قالب‌هایی مثل مُستزاد و چهارپاره رغبت بیشتری داشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۲، ۴۳، ۴۵ و ۴۶، مشابه کتاب پرتکرار علوم و فنون ادبی)

۲۴- گزینهٔ «۲» *(مجتبی فرهادی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: نثر در دوران مشروطه با هدف تأثیر بر عامهٔ مردم گسترش یافت.

گزینهٔ «۳»: در نثر این دوره واژه‌ها و ترکیب‌های عربی ناآشنا کمتر می‌شود.

گزینهٔ «۴»: اکثراً نویسندگان این دوره داستان را مطابق ذوق عامهٔ مردم می‌نوشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۵ و ۴۶)

۲۵- گزینهٔ «۲» *(الهام محمدی)*

شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری عبارت‌اند از: آزادی، وطن، قانون، تعلیم و تربیت جدید، توجه به مردم، دانش‌ها و فنون نوین.

در این سؤال، ابیات «الف، د، هـ» به شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری اشاره می‌کنند:

الف) به ارزش آزادی در مفهوم مدرن آن اشاره می‌کند.

د) به تعلیم و تربیت ملت اشاره می‌کند.

هـ) اشاره به سعادت بشر می‌کند و کسانی را که در این راه کار می‌کنند می‌ستاید، بنابراین می‌توان آن را ذیل درون‌مایهٔ «توجه به مردم» قرار داد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و مفهوم، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

۲۶- گزینهٔ «۳» *(محسن اصغری)*

ابیات گزینه‌های «۱ و ۲ و ۴» در سبک خراسانی سروده شده‌اند، اما در بیت گزینهٔ «۳» به دلیل استفادهٔ زیاد از واژگان عربی (بشر، ماورا، بصر، جلال، منتها و جمال) ویژگی سبک عراقی مشهود است.

ویژگی‌های سبک خراسانی در ابیات دیگر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: استفاده از دو نشانه (حرف اضافه) برای یک متمّم: به ..... (بدین پرده اندر)

گزینهٔ «۲»: کهنه و مهجور بودن بعضی از لغات (گسارنده: نوشاننده، ساقی)

گزینهٔ «۴»: سادگی زبان شعر و کم‌بودن لغات عربی و بیگانه

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، ترکیبی)

۲۷- گزینهٔ «۴» *(فرهاد فروزان‌کیا)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: قانون‌خواهی از درون‌مایه‌های اصلی شعر در این عصر است، اما کلمهٔ «قانون» در بیت نخست این گزینه به معنی ساز و ابزار موسیقی و در بیت دوم اشاره به کتاب مشهور ابوعلی سینا دارد.

گزینهٔ «۲»: وطن‌خواهی (در معنای امروزی آن) از درون‌مایه‌های اصلی شعر در این عصر است. «وطن» در بیت نخست این گزینه به مفهوم امروزی آن به کار رفته است، اما در بیت دوم در معنای «زادگاه» به مفهوم کلاسیک آن است و به طریق استعاری شاید به جهان روح و عالم ملکوت اشاره داشته باشد؛ یعنی شاعر وطن واقعی را عالم غیرمادی می‌داند.

گزینهٔ «۳»: «وطن» در بیت نخست این گزینه به مفهوم امروزی و در بیت دوم در معنای «زادگاه» به مفهوم کلاسیک آن است.

گزینهٔ «۴»: «قانون» در هر دو بیت این گزینه به مفهوم امروزی آن (قانون‌مداری در سطح جامعه و حکومت) است. بنابراین همین گزینه جواب سؤال است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و مفهوم، صفحهٔ ۴۴)

۲۸- گزینهٔ «۴» *(محسن اصغری)*

این متن مربوط به نثر دورهٔ سامانی است و از ویژگی‌های نثر آن دوران ازجمله تکرار فعل (کرده بود) و ایجاز و اختصار لفظی و معنایی برخوردار است. عبارت از ترجمهٔ تفسیر طبری انتخاب شده است.

ویژگی‌های نثر قرن‌های پنجم و ششم در تمام عبارات دیگر گزینه‌ها دیده می‌شود. متن هر سه گزینهٔ دیگر از ترجمهٔ کلیله و دمنه انتخاب شده است که مربوط به سدهٔ ششم است.

ویژگی‌های بارز نثر سدهٔ پنجم و ششم در دیگر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: حذف افعال به قرینه (است) ـ استفاده از ترکیبات دشوار

گزینهٔ «۲»: حذف افعال به قرینه (است) ـ کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن

گزینهٔ «۳»: استفاده از ترکیبات دشوار ـ آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، ترکیبی)

۲۹- گزینهٔ «۱» *(هومن نمازی)*

بیت این گزینه به مردم توجه دارد و از ظلم استعمارگران بیگانه به مردم گله‌مند است؛ در گزینه‌های «۲» و «۳» منظور از آزادی مفهوم مدرن آن و مصادف با دموکراسی غربی نیست؛ در هر دو بیت «آزاد» بودن سرو به معنای رهایی او از تعلقات است و «آزادی» بیشتر معنایی غنایی دارد، نه معنایی سیاسی. در گزینهٔ «۴» نیز واژهٔ «کارگر» معادل معنی «مؤثر» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

۳۰- گزینهٔ «۱» *(سید علیرضا احمدی)*

الف) «گل» استعارهٔ مصرحه (آشکار) از چهره و «سنبل» استعارهٔ آشکار از مو

ب) «سبو» مجاز از شراب

ج) «گریبان سخن» استعارهٔ مکنیه (پنهان) دارد و اضافهٔ استعاری است.
د) «ولی» یک بار در معنای سرپرست و بار دیگر در معنای حرف ربط همپایه‌ساز است. (= امّا)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «ج» جناس ندارد.
گزینهٔ «۳»: «الف» مجاز ندارد.
گزینهٔ «۴»: «د» مجاز ندارد.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۳۱- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

در مصراع دوم «یاقوت» استعارهٔ مصرحه از «اشک» است.
معنای بیت: آن لبِ مانند شراب تو، شکر است یا قوت و غذای روح و روان است؟ چرا که از آن لب، چشم بنده مانند چشمهٔ یاقوت روان پر از اشک است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «لب» به «شکر»، «یاقوت» و «می» تشبیه شده است و «چشم» به «چشمه» مانند شده است. در گروه اسمی «چشمهٔ یاقوت روان» نیز «یاقوت روان» به «چشمه» تشبیه شده است. تمامی تشبیه‌ها از نوع فشرده (بلیغ) هستند. به‌جز تشبیه «لب میگون» که دارای ادات تشبیه است و تشبیه گسترده شمرده می‌شود.
گزینهٔ «۲»: «یا + قوت» در مصراع اول با «یاقوت» در مصراع دوم و هم‌چنین «روان» به معنای روح و مصراع اول با «روان» در معنای جاری در مصراع دوم جناس همسان است.
گزینهٔ «۳»: «چشم» و «چشمه» جناس ناقص افزایشی دارند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۳۲- گزینهٔ «۳» *(سید علیرضا احمدی)*

واژهٔ «بت» و «لعبت» استعاره از یار است. قافیه شدن این دو واژه باوجود تفاوت در مصوت کوتاه پیش از حرف روی، به علت وجود حروف الحاقی درست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «مشک‌بیز» و «شهدخیز» در معنای خود آمده‌اند و فاقد استعارهٔ مصرحه هستند. معنای بیت: به خاطر موهای مشک‌بیز (خوش‌بو) یار، عبیر ارزان شده است. شکر، قربان لب شیرین و شهدخیز یار شود.
گزینهٔ «۲»: «شاه» معنای حقیقی دارد و فاقد استعاره است، ولی «ماه» استعاره از یار (در اینجا شیرین بانوی ارمنی) است.
گزینهٔ «۴»: «آن گل‌اندام» فاقد استعاره است، چراکه این واژه صفت است.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۳۳- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

«گل» استعاره از هر آنچه مطلوب است ← اگر شعر را در نوع غنایی ـ عاشقانه تحلیل کنیم «گل» می‌تواند استعاره از یار باشد و «خار» استعاره از موانع و مشکلات (یا حتی رقیب) در نظر گرفته شود.

تشریح سایر ابیات:

گزینهٔ «۱»: معنای بیت: گل نرگس اگر قطره‌ای از جام محبت او بنوشد، از روی خواب‌آلودگی و خماری دست به چشم خود می‌مالد. (تشبیه مرجح و استعارهٔ مکنیه)
گزینهٔ «۲»: معنای بیت: ای گل تو چه آسیبی هستی که با خون بلبلان، از همان ابتدا که در گهوارهٔ غنچه بودی دست در نگارگری داشتی. (تشخیص)
گزینهٔ «۳»: معنای بیت: گرد یتیمی گوهر را گران‌بها می‌کند، ای [یار] سنگدل از [عاشق] خاکسار دست مشوی. «سنگدل» و «خاکسار» صفت هستند و استعاره نمی‌سازند. مقولهٔ صفت جانشین اسم و استعاره را خلط نکنید! اگر صفتی به جای موصوف خود بیاید استعاره نمی‌سازد. مثلاً اگر بگوییم «زیبا آمد» و منظورمان از «زیبا» یار زیبا باشد در این حالت صفت جانشین اسم داریم؛ نه استعاره

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۳۴- گزینهٔ «۱» *(الهام محمدی)*

ج) جناس: خس و کس
الف) استعارهٔ پنهان (مکنیه): «سایه‌انداختنِ شوق» استعارهٔ مکنیه یا استعارهٔ پنهان
د) مجاز به علاقهٔ شباهت همان «استعارهٔ مصرحه» است. «سهی سرو روان» استعاره از «معشوق»
ب) «سر» در مصراع اول مجاز از «وجود» و «سر» در مصراع دوم مجاز از «اندیشه»

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۳۵- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

«آفتاب» در این بیت، مجاز از خورشید است و مقصود شاعر همان خورشید آسمان است که غروب می‌کند.

نکته: توجه داشته باشید که در آزمون سراسری تاکنون، مجاز به علاقهٔ شباهت صرفاً در زمرهٔ استعارهٔ مصرّحه مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین از نگاه طراح سؤال، این نوع مجاز را نباید به‌عنوان آرایهٔ «مجاز» شناسایی و معرفی کرد.

در گزینهٔ «۱»، تعبیر «گنبد کبود» استعارهٔ مصرّحه از «آسمان» است. / در گزینهٔ «۴» نیز واژهٔ «بام» استعارهٔ مصرّحه از «آسمان» محسوب می‌شود. همچنین واژگان «زمین»، «جهان»، «خانه»، «دل» و «ابر» همگی در معنای حقیقی و رایج خود به‌کار رفته‌اند و فاقد بار مجازی‌اند.

نکته: تفاوت معنای حقیقی و مجازی واژه: «معنای حقیقی» آن معنای اصلی و نخستینِ واژه است؛ همان معنایی که به محض شنیدن یا دیدن کلمه، بی‌درنگ به ذهن می‌آید، اما «معنای مجازی» هنگامی پدید می‌آید که واژه در معنایی جز معنای اصلی و رایج خود به کار رود؛ یعنی کلمه از قلمرو معنای نخستین خود عبور کند و در جایگاه تازه‌ای بنشیند. برای نمونه: وقتی می‌گوییم: «علی در حال خرید نان است»، نخستین چیزی که در ذهن تداعی می‌شود، همان «خوراکی خمیر آرد گندم یا جو که در تنور یا فر پخته می‌شود» می‌باشد. این معنا، حقیقی است. اما اگر بگوییم: «برای اندکی نان، خودش را به آب و آتش می‌زند»، دیگر مقصود نان خوراکی نیست، بلکه «نان» به معنای رزق و روزی و مایهٔ معاش به کار رفته است. در اینجا واژه در معنای غیرحقیقی خود نشسته و این کاربرد را مجازی می‌نامند.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۳۶- گزینهٔ «۲» *(هومن نمازی)*

بررسی ابیات:

گزینهٔ «۱»: «هزار»: مجازاً بسیار / «جهان»: مجاز از کثرت است. / فاقد جناس
گزینهٔ «۲»: «سر»: وجود / «مست»: در حقیقت یعنی می‌زده و مجازاً در این بیت یعنی سرگشته / «عنبر و گل»: مجازاً هر چیز خوش‌بو / جناس: «مست» و «است»
گزینهٔ «۳»: «کف»: مجازاً دست / فاقد جناس («حاجت‌روا» و «حاجات» جناس ندارند.)
گزینهٔ «۴»: «آسیاب»: مجاز از سنگ آسیاب / فاقد جناس: («آسیاب» و «آسیا» هم‌معنا هستند و نمی‌توانند جناس بسازند.)

(علوم و فنون ادبی، بیان)

توشه‌ای برای موفقیت

۳۷- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

الف) ردیف: خویش (خود) / واژگان قافیه: غمناکی و پاکی / ذوقافیتین: ندارد

ب) ردیف: - / واژگان قافیه: روان (جاری) و روان (روح) ـ گنج و رنج / ذوقافیتین: دارد

نکته: «گنج روان» نام گنج قارون است که در زیر زمین در حال حرکت بوده است. این ترکیب می‌تواند در دیگر ابیات استعاره از «شراب» و یا «آسمان پرستاره» باشد.

ج) ردیف: - / واژگان قافیه: خوان (سفره) و خوان (بخوان) ـ گوشه و بی‌توشه / ذوقافیتین: دارد

د) ردیف: روی / واژگان قافیه: گوری و نوری / ذوقافیتین: ندارد

(علوم و فنون ادبی، بدیع و قافیه)

۳۸- گزینهٔ «۳» *(هومن نمازی)*

بررسی ابیات:

گزینهٔ «۱»: با حذف ردیف (می‌برد) رکن آخر می‌شود «فع» و وزن به مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع تبدیل می‌شود.

گزینهٔ «۲»: حذف ردیف این مورد، وزن را از مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن تبدیل به مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فَعولن می‌کند.

گزینهٔ «۳»: با حذف ردیف وزن می‌شود مفتعلن فاعلات مفتعلن که چنین وزنی نداریم.

گزینهٔ «۴»: با حذف «شد» وزن می‌شود «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن».

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۳۹- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

وزن بیت صورت سؤال «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است، «زیستن» ردیف و «غریبان» واژهٔ قافیه است. (حروف اصلی قافیه: «یب» و حروف الحاقی آن: «ان» است.)

بیت گزینهٔ «۴» با توجه به وزن، ردیف و قافیهٔ مشترک می‌تواند با بیت صورت سؤال، هم‌وزن و هم‌قافیه باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: از لحاظ وزن می‌تواند با بیت صورت سؤال، هم‌وزن باشد ولی از لحاظ قافیه، از آن‌جایی که واژهٔ «زیستن» در یک معنا در بیت صورت سؤال و بیت گزینهٔ «۱» تکرار شده است و واژگان پیش از آن‌ها («غریبان» و «باید») قافیه نمی‌شوند، نمی‌توان این دو بیت را در یک شعر جا داد.

گزینهٔ «۲»: از لحاظ وزن می‌تواند با بیت صورت سؤال، هم‌وزن باشد ولی از لحاظ قافیه، از آن‌جایی که پسوند «ان» در واژهٔ «غریبان» در بیت صورت سؤال از نوع «ان» جمع است و این پسوند در واژهٔ «آنان» هم تکرار شده است، نتیجه می‌گیریم که تکرار پسوند با مفهوم مشترک (این‌جا هر دو پسوند جمع هستند) منجر به الحاقی بودن حروف «ان» می‌شود و در صورتی که از «غریبان» و «آنان» حذف شوند، یقیناً قافیه شدن «غریب» و «آن» واجد عیب است.

گزینهٔ «۳»: از لحاظ قافیه می‌تواند با بیت صورت سؤال، هم‌قافیه باشد ولی از لحاظ وزن، از آن‌جایی که وزن بیت صورت سؤال «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است و وزن بیت گزینهٔ «۳» «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است، نمی‌توان این دو بیت را در یک شعر به‌کار برد.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر و قافیه)

۴۰- گزینهٔ «۲» *(رضا رنجبری)*

گزینهٔ «۱»: واژگان قافیه: «باغبان ـ پاسبان»/ حروف الحاقی: بان / باغ و پاس نمی‌توانند هم‌قافیه شوند. (= قافیه نادرست است)

گزینهٔ «۲»: واژگان قافیه: «عید ـ پدید» / حروف الحاقی: - / حروف اصلی: «ید» (= قافیه درست است)

گزینهٔ «۳»: واژگان قافیه: «بنوشت ـ زشت» / حروف الحاقی: - / حرف روی در یک واژه ساکن و در دیگری متحرک است، بنابراین قافیه درست نیست.

گزینهٔ «۴»: واژگان قافیه: «کروبیان ـ روحانیان» / حروف الحاقی: «یان» / «کروب» و «روحان» نمی‌توانند هم‌قافیه شوند. (= قافیه نادرست است)

نکته: گاه در ابیات با واژگانی روبه‌رو می‌شویم که بر اساس تلفّظ امروزین ما، هم‌قافیه به نظر نمی‌رسند و این امر ممکن است در نگاه نخست، نوعی عیب یا کاستی در قافیه به شمار آید. امّا باید توجه داشت که برای داوری درست دربارهٔ قافیه، لازم است به تلفّظ کهن واژه‌ها بازگردیم. در بسیاری از موارد، آنچه امروز متفاوت شنیده می‌شود، در زبان گذشته، صورت آوایی یکسان یا نزدیک داشته است. به همین دلیل، در گزینهٔ «۲») واژه‌های «عید» و «پدید» با معیار تلفظ کهن، هم‌قافیه‌اند و از دیدگاه قافیه هیچ ایرادی بر آن‌ها وارد نیست.

(علوم و فنون ادبی، قافیه)

۴۱- گزینهٔ «۴» *(یاسین مهریان)*

فقط قافیهٔ بیت «الف»، دارای حرف الحاقی است و «ی» در واژه‌های «پای» و «سرای»، الحاقی محسوب می‌شود.

تشریح سایر ابیات:

بیت «ب»: به‌دلیل تفاوت نوع «ان»، نمی‌توان آن را الحاقی دانست و «دوستان» و «بوستان»، فاقد حرف الحاقی‌اند.

بیت «ج»: «ست» در مصراع دوم، بخشی از خود واژهٔ «راست» می‌باشد؛ پس «ماست» و «راست»، فاقد حرف الحاقی‌اند.

بیت «د»: «ه» در واژه‌های «بخواه» و «گناه»، ملفوظ است؛ بنابراین، «بخواه» و «گناه»، فاقد حرف الحاقی‌اند و حروف اصلی آن‌ها، «اه» است.

بیت «ه»: «ند» در واژهٔ «بلند» بخشی از خود واژه است؛ پس «بلند» و «نکند»، فاقد حرف الحاقی‌اند.

(علوم و فنون ادبی، قافیه)

۴۲- گزینهٔ «۳» *(یاسین مهریان)*

همهٔ ابیات در وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» سروده شده‌اند و بیت «ج» ذوقافیتین است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «بنده‌وار» و «دار» قافیهٔ بیت را تشکیل می‌دهند. توجّه داشته باشید که «بنده‌وار» یک واژه است و نمی‌توان «بنده» و «وار» را از هم جدا کرد و آن‌ها را با «پاینده» و «دار»، دارای دو قافیه دانست.

گزینهٔ «۲»: «کس» و «بس»، قافیهٔ بیت را تشکیل می‌دهند. توجّه داشته باشید که نمی‌توانیم «دست» و «است» را قافیه بدانیم، زیرا اگر قرار باشد بین دو قافیه، واژه‌ای بیاید، باید عیناً در هر دو مصراع، تکرار شود (حاجب). مثال:

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت / سست است عدو تا تو کمان داری سخت

در این بیت، «آسمان و کمان» و «تخت و سخت»، دو قافیهٔ بیت هستند که واژهٔ «داری» عیناً در دو مصراع، بین دو قافیه، تکرار شده است و حاجب محسوب می‌شود.

در بیت گزینهٔ «۱»، حاجب وجود ندارد و قافیه‌کردن «دست» و «است» به‌عنوان قافیهٔ دوم، صحیح نیست.
گزینهٔ «۴»: «دلش» و «گلش»، قافیهٔ بیت را تشکیل می‌دهند؛ اما «ریزد» و «بسوزد»، قافیهٔ درستی را شکل نمی‌دهند.

نکتهٔ مهم درسی:

اگر در واژگان قافیه، حروف الحاقی داشته باشیم، اختلاف در مصوّت کوتاه جایز است، نه مصوّت بلند. توجّه داشته باشید که در «ریزد» و «بسوزد»، «د» الحاقی است و «یز» و «وز»، حروف اصلی هستند؛ اما تفاوت آن‌ها در مصوّت بلند است و حتی با وجود حروف الحاقی، اختلاف آن‌ها درست نیست و نمی‌توانند با یکدیگر قافیه شوند.

(علوم و فنون ادبی، قافیه)

۴۳- گزینهٔ «۳» *(مهری خروتن)*

تشریح ابیات صورت سؤال:

الف) واژه‌های قافیه در این بیت «بِه» و «مَدِه» هستند که فاقد حروف الحاقی هستند و حروف اصلی قافیه «ـِ ه» می‌باشد و بر اساس الگوی «مصوت + صامت» است.

نکته: صامت «ه» در این بیت‌های بیان حرکت نمی‌باشد و به صورت مصوت «ـِ» تلفظ نمی‌شود بنابراین یک حرف الحاقی نیست.

ب) واژه‌های قافیه در این بیت «تازیان» و «زیان» هستند و قافیه فاقد حروف الحاقی است و همچنین حروف اصلی قافیه «ان» می‌باشد و بر اساس الگوی «مصوت + صامت» است.

نکته: حروف «ان» در واژهٔ «تازیان» به عنوان نشانهٔ جمع به کلمهٔ «تازی» الحاق شده است اما از آن‌جا که این الحاق در واژهٔ «زیان» وجود ندارد پس «ان» جمع در واژهٔ «تازیان» به عنوان حروف اصلی قافیه محسوب می‌شود.

ج) واژه‌های قافیه در این بیت «سروران» و «سران» می‌باشند که در آن حروف «ان» که نشانهٔ جمع است، الحاقی می‌باشند و حروف اصلی قافیه «-َر» است که بر اساس الگوی «مصوت + صامت» است.

د) واژه‌های قافیه در این بیت «پیشرو» و «نو» هستند که فاقد حروف الحاقی است و حروف اصلی قافیه «ـُ و» می‌باشد که بر اساس الگوی «مصوت + صامت» است.

نکته: حرف «و» در پایان واژه‌های قافیهٔ این بیت به صورت مصوت بلند «او» تلفظ نمی‌شود بلکه به صورت صامت «و» تلفظ می‌شود.

هـ) واژهٔ «بیش» در این بیت به دلیل تکرار لفظی و معنایی، ردیف است و واژه‌های قافیه «پشته» و «کشته» هستند که دارای حرف الحاقی است و حروف اصلی قافیه «ـُ شت» می‌باشد که بر اساس الگوی «مصوت + صامت + صامت» است.

نکته: در واژه‌های قافیه این بیت حرف «هـ» به صورت مصوت کوتاه «ـِ» تلفظ می‌شود و یک حرف الحاقی است.

پس در مجموع قافیهٔ ابیات «ج، هـ» دارای حروف الحاقی و قافیهٔ ابیات «الف، ب، ج، د» بر اساس الگوی «مصوت + صامت» هستند.

(علوم و فنون ادبی، قافیه)

۴۴- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

در ادبیات فارسی هر عضو ظاهری از اندام‌یار دارای ویژگی‌های خاصی است. برای مثال در اشعار کلاسیک لب یار را سرخ رنگ (مثل شراب و لعل)، شیرین (مثل شکر و قند) مرطوب و مروّح (مثل آب حیات، کوثر و سلسبیل) تصویر می‌کنند. در مصراع نخست رباعی لب به آب حیات و در مصراع مذکور در گزینهٔ «۴» لب به کوثر مانند شده است و «کوثر» به تنهایی استعاره از لب است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تقطیع مصراع اول:

–U / U – –U / U – –U / U – –

تقطیع هجایی مصراع سوم: **– – / – – –U / –UUU / U – –**

گزینهٔ «۲»: تشبیه‌ها: مصراع اول و مصراع دوم هر کدام یک تشبیه / تلمیح: اشارهٔ غیرمستقیم به ماجرای آب حیات که خضر نوشید و جاودانه شد.

گزینهٔ «۳»: «گفت»، «گفتم» و «گفتا» اشتقاق دارند و از یک ریشه هستند.

(علوم و فنون ادبی، ترکیبی)

۴۵- گزینهٔ «۱» *(سید علیرضا احمدی)*

الف) شاعر مخاطب را در مواجهه با سردمهری و ناسازگاری روزگار به صبر دعوت می‌کند و امید رسیدن بهار و به‌روزی را در دل او زنده می‌کند.

ب) هرکسی که نظر بر یار من انداخته‌است، آستین بر چشم اشک‌آلود من می‌گذارد و با من هم‌دردی می‌کند.

ج) امیرهوشنگ ابتهاج با بیانی شیوا، همه‌چیز را نشانه‌ای از یار می‌بیند و می‌گوید به هر سو که نگاه می‌کنم، همهٔ پدیده‌ها نشان از او دارند.

د) با آنکه سرمنزل عشق دور است ولی جان عاشق پر است از تمنا و خواستن رسیدن.

ه) شاعر ادعا می‌کند که درختی که از جنس عشق و دوستی در دل کاشته است، هم‌چون سرو همیشه سبز و پایدار است. (در طبیعت، سرو از جمله درختانی هست که همواره سرسبز و پربرگ است و آن را در ادبیات نماد پنج مفهوم می‌دانند: قناعت، آزادگی، سرسبزی، بلندقامتی و تهی‌دستی)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

۴۶- گزینهٔ «۱» *(امیرحسین اشتری)*

مفاهیم مطرح‌شده در بیت صورت سؤال: الف) جان‌بخشی عشق،

ب) کمال‌بخشی عشق

در بیت گزینهٔ «۱» هیچ‌کدام از این مفاهیم مطرح نشده است. این بیت از زبان عاشق بیان شده است و می‌گوید دل کندن از معشوق غیرممکن است.

ابیات دیگر گزینه‌ها هرکدام یکی از مفاهیم مطرح‌شده در بیت صورت سؤال را در خود دارند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: کمال‌بخشی عشق

گزینهٔ «۳»: کسی که عاشق نیست مرده است. (جان‌بخشی عشق)

گزینهٔ «۴»: بازگشت معشوق باعث جان‌بخشی به عاشق است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۹۱)

۴۷- گزینهٔ «۲» *(امیرحسین اشتری)*

«ترک‌شدن از سوی یاران و تنهاماندن» مفهوم مشترک و اصلی بیت صورت سؤال و بیت گزینهٔ «۲» است. در بیت صورت سؤال، مرغ تنها در گلشن می‌ماند و دوستانش (هَزاران) او را تنها می‌گذارند و در بیت گزینهٔ «۲» شاعر در مجلس طرب و بزم تنها می‌ماند و دوستانش او را تنها رها می‌کنند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مفهوم اصلی این بیت خاموشی طبع شعری شاعر در اثر نبودن اهل معرفت و اهل ادب است. درست است که این گزینه هم به تنهایی اشاره می‌کند، اما خاموشی طبع شعری شاعر مفهوم اصلی است و ضمناً شاعر مستقیماً به این اشاره نکرده که از «یاران» خود جدا مانده است.

قلم‌چی — بنیاد علمی آموزشی — وسیله‌ای برای موفقیت

گزینهٔ «۳»: از دست غم و ظلم‌های تو همه رفتند و کسی نمانده است.

گزینهٔ «۴»: این بیت درمورد مرگ و رفتن به جهان دیگر است، نه دربارهٔ ترک‌شدن و تنهاماندن.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحهٔ ۴۷)

۴۸- گزینهٔ «۲» *(سید علیرضا احمدی)*

ما در ابیات دو نوع غم داریم: یکی غم منفی که غم مادیات است و دیگری که غم عشق است و غم مثبت و مفید تلقی می‌شود. همواره عاشق در پی غم عشق است و آن را از خوشی‌های دنیا برتر می‌داند. نمونهٔ آشنا: «داغ و دردی کز تو باشد بهتر است از باغ و ورد» و یا «تا خار غم عشقت آویخته در دامن / کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها»

تشریح ابیات:

الف) شاعر داغ و غم را تنها نصیب خود از عشق می‌داند. (غم‌گرایی)

ب) ترجیح غم عشق بر شادی‌های دنیا

ج) شاعر از رسوایی خود باکی ندارد و شهرت و محبوبیت یار را نامطلوب می‌داند.

د) ترجیح غم عشق بر شادی‌های دنیا

هـ) مطلوب بودن رنج‌های عشق برای عاشق

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۹۲)

۴۹- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۸۹)*

ابیات «۱» ، «۳» و «۴» به بی‌ثباتی جهان اشاره دارند، اما مفهوم بیت گزینهٔ «۲» این است که عاشق در راه رسیدن به معشوق حتی از جان و هستی خود نیز می‌گذرد.

توجه: در بیت گزینهٔ «۱» به آیهٔ ۲۵ سورهٔ دخان اشاره شده است. در این سوره داستان حضرت موسی (ع) و فرعونیان بیان شده و شاعر با بیان «کم ترکوا» (به معنای: چه بسیار [چیزهایی] که به جای گذاشتند ...) به این مفهوم اشاره دارد که در تاریخ بسیاری دارای مال و مکنت فراوان بودند و همهٔ آن ثروت را به جای گذاشتند و مُردند. ضمناً به خسرو پرویز و میوه‌های طلایی سفرهٔ او (زرّین‌تره) اشاره شده که آنها هم مثل تمام ثروت‌های دنیا ناپایدار بوده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

۵۰- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

عبارت پایانی بیانگر «کسب مال از راه پسندیده و حلال» است. عین مفهوم «کسب روزی حلال» در بیت گزینهٔ «۳» نیز مطرح شده است. (الغدن: اندوختن، گردکردن)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دعوت به نیکی‌کردن

گزینهٔ «۲»: بیان قناعت و خرسندی از مال کم دنیا

گزینهٔ «۴»: دعوت به معنویت و نکوهش جاه و مال

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۸۴)

جامعه‌شناسی (۳)

۵۱- گزینهٔ «۳» *(مریم فسروی رهنوی)*

بررسی عبارات نادرست:

ـ جامعه‌شناسان برای شناختن نظم از امور آشنا و مأنوس آشنایی‌زدایی می‌کنند.

ـ گاهی دیگران مطابق انتظارات رفتار نمی‌کنند و حوادثی خلاف قواعد رخ می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۵۲- گزینهٔ «۴» *(سینا غلامی)*

درست ـ نادرست: نظام اجتماعی هم می‌تواند در خود تغییراتی به وجود آورد و هم می‌تواند در محیط خود تغییراتی ایجاد کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: درست ـ درست

گزینهٔ «۲»: نادرست: ساختار اجتماعی مانند خودرویی است که در یک جا پارک شده است ـ درست

گزینهٔ «۳»: نادرست: خاکستری شدن جمعیت در اکثر جوامع صنعتی از تغییراتی است که نظام اجتماعی در خود ایجاد می‌کند ـ درست

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۵۳- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

تشریح موارد:

ـ پوزیتیویسم به معنای وحدت روش علوم است؛ یعنی در همهٔ دانش‌های علمی، روش مطالعه، یکسان است.

ـ گاهی تغییر در یک پدیدهٔ اجتماعی با تغییر در پدیدهٔ دیگر همراه است. این دو پدیده را هم‌تغییر می‌گویند. می‌توان تغییرات یکی از آن‌ها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد.

ـ منظور از تبیین بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است.

- در رویکرد تبیینی، پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی و جامعه مانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

۵۴- گزینهٔ «۲» *(سینا غلامی)*

موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی باعث شد جامعه‌شناسان علاقه‌مند شوند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۷)

۵۵- گزینهٔ «۳» *(یاسین ساعدی)*

تشریح گزینه نادرست:

جامعه‌شناسی تبیینی جامعه و نظم اجتماعی را بر اساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، ترس و اجبار می‌داند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۶، ۲۸ و ۳۰)

۵۶- گزینهٔ «۳» *(فاطمه رضائیان)*

در جنگ‌های نامنظم افراد از نظم موجود پیروی نمی‌کنند بلکه از آن فراتر می‌روند و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورند.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

۵۷- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

جامعه‌شناسی تبیینی		
موضوع	روش	هدف
پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۷)

۵۸- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

ـ دارای فرصت‌ها و محدودیت‌ها ← نظام اداری (د)

ـ تغییرات نظم اجتماعی ← کاهش مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی (ب)

ـ سرآغاز فروپاشی داعش ← مقاومت مردم آمرلی (الف)

ـ زندگی اجتماعی انسان و نظم ← همزاد یکدیگرند (ج)

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۶)

۵۹- گزینهٔ «۴» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

بیت و عبارت مذکور با سه گزینهٔ غیرپاسخ مرتبطاند ولی عبارت چهارم ارتباطی ندارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۶۰- گزینهٔ «۴» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

سه گزینهٔ دیگر به «کنش اجتماعی» اشاره دارند، ولی گزینهٔ «۴» مربوط به «ساختار اجتماعی» است.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ و ۳۵)

جامعه‌شناسی (۱)

۶۱- گزینهٔ «۲» *(رانیا امیری)*

بررسی موارد:

ـ کسب هویت‌های اجتماعی جدید با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است.

ـ طبقه‌ای از مردم عادی بودند که نه اشراف بودند نه رعیت

ـ جامعه‌ای که بر اساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. (جامعهٔ آپارتاید)

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۶، ۸۸ و ۸۹)

۶۲- گزینهٔ «۱» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

تشریح گزینه‌ها:

ـ در ایران امروزه نهاد خانواده با تعارض‌های فرهنگی مواجه است.

ـ بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

ـ اگر نهاد خانواده و عقاید و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای سست شوند که رقیب و بدیل‌های زندگی خانوادگی همانند زندگی با حیوانات، ازدواج با هم‌جنس، زندگی مشترک بدون ازدواج و ... هم‌عرض خانواده شیوع پیدا کنند؛ به‌گونه‌ای که جهان اجتماعی نتواند در برابر این اشکال از کیان خانواده و ارزش‌ها و هنجارهای آن دفاع کند، نهاد خانواده دچار بحران هویت می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

۶۳- گزینهٔ «۴» *(مهرداد کرمی - دهگلان)*

تشریح موارد نادرست:

ـ ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. (کتاب‌های منتشر شده ابن عربی در غرب نمونه‌ای از این هستند.)

ـ اگر اعضای جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و حالت فعال و خلاق خود را از دست بدهند، جهان اجتماعی به خودباختگی فرهنگی دچار می‌شود.

ـ جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشتهٔ خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۱ ، ۱۰۲ و ۱۰۶)

۶۴- گزینهٔ «۳» *(جواد جلیلیان)*

(الف) مربوط به نگاه توحیدی به خود و جهان، (ب) مربوط به ازخودبیگانگی فطری (حقیقی)، (ج) مربوط به ازخودبیگانگی فرهنگی، (د) از نتایج نگاه توحیدی به جهان و (هـ) مربوط به ازخودبیگانگی تاریخی است.

از آنجایی که در کتاب درسی گفته شده، ازخودبیگانگی‌های فطری و تاریخی دو معنای متفاوت ازخودبیگانگی فرهنگی هستند و همچنین با استناد به این‌که گشوده شدن درهای آسمان و زمین و آشنایی انسان با حقیقت خود و جهان هستی از نتایج و زیرمجموعهٔ نگاه توحیدی به جهان هستند؛ بنابراین گزینهٔ «۳» به‌درستی ارتباطات مذکور را به تصویر می‌کشد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۶)

۶۵- گزینهٔ «۴» *(فاطمه رضائیان)*

جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند دچار ازخودبیگانگی تاریخی می‌شوند، نه ازخودبیگانگی حقیقی.

ازخودبیگانگی حقیقی زمانی اتفاق می‌افتد که عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۱۰۶)

جامعه‌شناسی (۲)

۶۶- گزینهٔ «۱» *(فاطمه رضائیان)*

-دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین کشورهای فقیر و غنی را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن توجه دارند. از نظر این گروه مشکل کشورهای فقیر نه فقط ضعف اقتصادی و صنعتی بلکه خودباختگی فرهنگی آنهاست.

-قسمت دوم گزینه‌های «۱» و «۲» مربوط به «جنگ تمدن‌ها» و قسمت دوم گزینه‌های «۳» و «۴» مربوط به نظرات اگوست کنت است.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۶ و ۸۹)

ایران نشانه

۶۷- گزینهٔ «۴» *(جواد جلیلیان)*

تشریح موارد نادرست:

الف) بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو هویتی اقتصادی و یکسان دارند اما چالش فقر و غنا همیشگی است در حالی‌که بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

ب) عبارت مذکور مربوط به بحران اقتصادی است نه چالش فقر و غنا!

د) مهم‌ترین بحران اقتصادی تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری غرب در فاصلهٔ بین دو جنگ جهانی، یعنی ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ م اتفاق افتاد. زیان اقتصادی این بحران کمتر از زیان اقتصادی جنگ جهانی اول نبود.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۳)

۶۸- گزینهٔ «۱» *(مهراد کرمی - رهگلان)*

ـ در سال ۱۹۸۹م سازمان ملل با طرح «پیمان باسل» تلاش کرد تا از انتقال زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند.

ـ سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری در مجموع، عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ معاصر غرب و روح و شالودهٔ آن را تشکیل می‌دهند.

ـ چالش‌های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند، اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز همچنان باقی می‌مانند. برای مثال، چالش فقر و غنا در چند قرن گذشته بروز کرد اما همچنان پابرجاست.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۶ و ۹۸)

۶۹- گزینهٔ «۲» *(امیرحسین خزایی)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: نادرست (وحی و شهود را نادیده گرفت) - درست

گزینهٔ «۲»: درست - درست

گزینهٔ «۳»: نادرست (در نیمهٔ اول قرن بیستم با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت) - درست

گزینهٔ «۴»: درست – نادرست (سکولاریسم به‌ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید)

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)

۷۰- گزینهٔ «۴» *(رانیا امیری)*

- برگزاری اجلاس مذکور مربوط به رویکرد «روی‌گردانی و گریز از سکولاریسم» است.

- فرهنگ غرب با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

روان‌شناسی

۷۱- گزینهٔ «۴» *(حمیدرضا توکلی)*

موقعیت اول: موقعیتی که در آن گیرنده‌های حسی توسط محرک‌های بیرونی تحریک نشود، به آزمایش محرومیت حسی موسوم است.

موقعیت دوم: حرکت چیزی روی پوست، دال بر احساس کردن است.

موقعیت سوم: فهمیدن ماهیت سایه، نشان‌دهندهٔ معنابخشی به آن است که مربوط به ادراک می‌باشد.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۷۲- گزینهٔ «۲» *(حمیدرضا توکلی)*

سؤال اول: تحریک هر یک از گیرنده‌های حسی تابع شدت محرک است؛ یعنی تحریک حواس از سوی محرک باید به میزان خاصی برسد تا آن عضو حسی تحریک شود.

سؤال دوم: فرایند انتخاب یک یا چند محرک از بین محرک‌های حسی مختلف را توجه می‌نامند.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۱ و ۷۳)

۷۳- گزینهٔ «۳» *(حمیدرضا توکلی)*

عبارت اول صرفاً به محرکی که صداها باشند اشاره دارد.

عبارت دوم به فرایند انتخاب صدای پرنده از میان محرک‌های دیگر و مفهوم توجه دارد.

عبارت سوم به تمرکز اشاره دارد. اگر توجه مداوم و پایدار باشد در آن صورت با تمرکز مواجه هستیم.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۶۹، ۷۰ و ۷۳)

۷۴- گزینهٔ «۳» *(یاس‌فاطمه ابراهیمیان)*

بررسی گزینه‌ها:

الف) به انتظارات شخص (برای دیدن سوسک) بازمی‌گردد.

ب) در اینجا منبع توجه فرد به صدای مهیب، حواس او بوده است.

ج) منبع توجه این فرد، سبک پردازش و انتظارات او (برای رسیدن غذا و به صدا درآمدن زنگ در) است.

د) منبع توجه این فرد، اطلاعات موجود در حافظهٔ اوست که توجه او را نسبت به لباس افراد سوق می‌دهد.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحهٔ ۷۴)

۷۵- گزینهٔ «۴» *(یاس‌فاطمه ابراهیمیان)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: آماده‌سازی زمانی اتفاق میفتد که شناخت محرک معینی، تحت تأثیر ارائهٔ پیشین همان محرک یا محرک شبیه آن قرار گیرد.

گزینهٔ «۲»: در پدیدهٔ آماده‌سازی، ارائهٔ پیشین محرک، دریافت بعدی را آسان می‌سازد.

گزینه‌های «۳» و «۴»: به همهٔ چیزهایی که در دامنهٔ توجه ما قرار می‌گیرد، آگاهی کامل نداریم.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۷۶- گزینهٔ «۴» *(محمد حبیبی)*

عبارت «الف» ← آشنایی نسبی با محرک و موضوع مورد توجه

عبارت «ب» ← تغییرات درونی محرک‌ها

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ «۱»: «آشنایی نسبی با محرک و موضوع مورد توجه» از موانع تمرکز است نه عامل ایجاد آن. ضمناً خواب‌آلودگی مربوط به «یکنواختی و ثبات نسبی» است.

گزینهٔ «۲»: «تغییرات درونی محرک‌ها» از عوامل ایجاد تمرکز است نه مانع آن. ضمناً اینکه بعضی بازدیدکنندگان می‌گویند: «تازه اول ماجراست»، به دلیل «درگیری و انگیختگی ذهنی» است.

گزینهٔ «۳»: هایلایت کردن مطالب با رنگ‌های مختلف مربوط به «یکنواختی و ثبات نسبی» است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۷۷- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور سراسری ۱۴۰۲ – نوبت اول دی‌ماه)*

جست‌وجو: در جست‌وجو به دنبال یافتن یک محرک مکانی در زمینه یا بافت مکانی هستیم.

گوش‌به‌زنگی: توانایی فرد برای یافتن محرک هدف در یک دورهٔ زمانی طولانی را گوش‌به‌زنگی می‌گویند.

از دست دادن محرک هدف: وقتی علامت هدف حاضر است، ولی ردیابی نمی‌شود.

پیدا کردن حرف «ص» در بین یک پاراگراف حرف «س» ← جست‌وجو

گزارش کردن تعداد ضربان قلب بیمار آسیب مغزی هر ۵ دقیقه ۱ بار ← گوش‌به‌زنگی

رد کردن محمولهٔ قاچاق داروهای روان‌گردان از ایستگاه بازرسی گمرک ← از دست دادن محرک هدف

آمادگی نیروهای امداد برای وقوع زلزله در تهران ← گوش‌به‌زنگی

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۷۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

اگر حواس مختلف، درگیر انجام دادن یک تکلیف باشد، کارایی خوبی خواهد داشت. خواندن یک مطلب علمی همراه با رؤیت تصاویر آن، نمونه‌ای برای استفاده از دو حس برای یک تکلیف است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحهٔ ۸۰)

۷۹- گزینهٔ «۴» *(محمدعرفان فرهادی)*

در این موقعیت نیما دچار خطای ادراکی شده است. او یک محرک خارجی (موتورسیکلت) را دیده و احساس کرده، ولی ادراکی که از آن داشته مطابق با واقعیت نبوده است؛ یعنی آن را دورتر از چیزی که واقعاً هست در نظر گرفته و احساس او با ادراکش مغایرت دارد.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: نمی‌توان گفت پدیده‌ای احساس نشده، چون موتورسیکلت احساس شده و وجود خارجی داشته است.

گزینهٔ «۲»: سرنشین کنار راننده دچار توهم نشده است، چون توهم، ادراک پدیده‌های بدون احساس است، درحالی‌که موتور سیکلت احساس شده است.

گزینهٔ «۳»: نمی‌توان گفت سرنشین کنار راننده تفسیری نداشته است، بلکه تفسیر او با تفسیر نیما متفاوت بوده است و با واقعیت تطابق بیشتری داشته است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

۸۰- گزینهٔ «۴» *(محمدعرفان فرهادی)*

ـ نکتهٔ کلیدی در عبارت، ادراک هم‌زمان لامپ‌های کنار هم است یعنی ادراک آن‌ها در مجاورت هم.

ـ ترسیم ادامهٔ یک تصویر، به همان صورتی که رسم شده بیانگر پیوستگی آن است و به اصل استمرار اشاره دارد.

ـ این‌که ما معمولاً تمایل داریم دانش‌آموزان را بر اساس شباهت پایهٔ تحصیلی آن‌ها طبقه‌بندی کنیم، اشاره به اصل مشابهت دارد.

ـ به خاطر سپردن کلمات در یک زمان به معنی به خاطر سپردن کلمات در مجاورت هم است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۵)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۸۱- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«قُرِئَ»: (فعل مجهول) خوانده شد، (در این‌جا) خوانده شود (رد گزینهٔ ۳)/ «استَمِعوا لَه»: (فعل امر مخاطب) بدان گوش فرا دهید (رد سایر گزینه‌ها)

نکات مهم درسی:

۱) در جملات شرطی (إنْ، مَن، ما، إذا)، می‌توانیم فعل ماضی را هم به‌صورت ماضی و هم به‌صورت مضارع ترجمه کنیم، به همین خاطر در این سؤال، ترجمهٔ «قُرِئَ» به شکل مضارع هم صحیح است.

۲) «استمعوا» از باب افتعال، اگر با حرکت فتحهٔ عین‌الفعل بیاید (استمَعوا)، فعل ماضی غایب است و اگر با حرکت کسرهٔ عین‌الفعل بیاید (استمِعوا)، فعل امر مخاطب است.

(ترجمه)

۸۲- گزینهٔ «۳» *(مصطفی قدیمی‌فرد)*

«من قدیم الزمان»: از زمان قدیم (رد گزینهٔ ۱) / «قد علّمَتنا» (فعل مفرد مؤنّث غایب + ضمیر «نا» مفعولی) به ما یاد داده است (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «لِتسهیل» (مصدر باب تفعیل): برای تسهیل، برای آسان کردن (رد گزینهٔ ۲) / «السّماد» (مفرد): کود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «الجلدیّة» (صفت): پوستی (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

«چگونه» هم در گزینهٔ «۱» اضافی است.

(ترجمه)

۸۳- گزینهٔ «۱» *(روح‌الله گلشن)*

«کثیرٌ من التُّجّار»: بسیاری از تاجران (بازرگانان) (رد گزینهٔ ۲)/ «کان ... یُؤکّدون»: تأکید می‌کردند (طبق ساختار «کانَ + مضارع: ماضی استمراری» ترجمه می‌شود ← رد گزینهٔ ۳)/ «الثّمینة»: گران‌بها (نقش «صفت» را دارد و نباید به شکل «جمله» و با حرف «که» ترجمه شود ← رد گزینهٔ ۴)/ «الطّرق الجبلیّة»: مسیرهای (راه‌های) کوهستانی (رد گزینهٔ ۳)/ «أقلّ نفقةً»: کم‌هزینه‌تر (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۸۴- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

«بَعدَ أن اخترع الدّینامیت»: بعد از اینکه دینامیت اختراع شد (رد گزینهٔ ۳) / «ازدادت الحروبُ»: جنگ‌ها افزایش یافت (رد سایر گزینه‌ها)/ «کَثُرَت»: زیاد گردید (رد گزینهٔ ۱) / «أدواتُ القتل و التّخریبِ»: ابزارهای کشتار و خرابی (رد گزینه‌های ۱ و ۳)/ «بهذه المادّة المُخرّبة»: با این مادّهٔ ویرانگر (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه، مشابه امتحان نهایی دی ۱۴۰۲)

۸۵- گزینهٔ «۴» *(کتاب تاک)*

«یَفتح»: باز می‌کند (از حرکت فتحه در اول فعل و ضمیر مفعولی متّصل به آن، مشخص است که با فعل معلـوم مـواجهیم، نـه مجهـول؛ رد گزینـهٔ ۱)/ «ظلامُ اللّیل»: تاریکی شب (رد گزینه‌های ۱ و ۳؛ در گزینهٔ ۱، حـرف اضـافهٔ «با» زائد است، در گزینهٔ ۳ نیز «تاریکی‌ها» به اشـتباه جمـع آمـده اسـت.)/ «یُبسَط»: (فعل مضارع مجهول) گسترده مـی‌شـود (رد گزینـه‌هـای ۱ و ۲)/ «تُغلقُ»: می‌بندد/ «نَجد»: می‌یابیم (رد گزینهٔ ۲)/ «طریقَنـا»: راهمـان را (رد گزینه‌های ۲ و ۳)/ «بنورها»: با روشنایی آن (رد گزینهٔ ۲)

توضیح: گاهی مرجع ضمیر در جمله وجود دارد و کمی قبـل‌تـر ذکـر شـده است، در این شرایط ممکن است به جای ضمیر، خـودِ مرجـع را در ترجمـه بیاوریم؛ مثلاً در ترجمهٔ «عیون الخفّاش... یَفتحها ... » بـه‌جـای «چشـمان خفاش... آن‌ها را باز می‌کند... »، بگوییم: «چشمان خفاش را ... باز می‌کند».

(ترجمه)

۸۶- گزینهٔ «۴» *(امیرحسین شکوری)*

اولاً «خَطَأ» مفرد است و ترجمهٔ صحیح آن «اشتباه» است، ثانیـاً «یُصَـحِّح» یک فعل مضارع معلوم و متعدّی است و باید به‌صورت «تصحیح کند، جبران کند» ترجمه شود.

(ترجمه)

۸۷- گزینهٔ «۲» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «خادمی»: خدمتگزاران

گزینهٔ «۳»: معادل فارسی «الإقبال علَی: روی آوردن به» نیامده است.

گزینهٔ «۴»: «صَدّقَ» فعل ماضی و در اینجا، به معنای «باور کردند» است.

نکات مهم درسی:

هرگاه اسم مثنّی یا جمع مذکّر سالم، مضاف واقع شود، «ن» آخر آن حـذف می‌شود؛ مثال: «خادمینَ + البشریّة = خادِمی البشریّة: خـدمت‌کننـدگان بـه بشریّت»

(ترجمه)

۸۸- گزینهٔ «۴» *(ابوطالب درانی)*

«همهٔ اختراعات علمی»: کلّ الإختراعات العلمیّة، جمیع الإختراعات العلمیّـة (رد گزینه‌های ۱ و ۲)/ «جنبهٔ سودمند آنها»: وجهها النّافع، الوجه النّافع لهـا (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

(تعریب)

۸۹- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

ترجمهٔ متن عربی صورت سؤال: چیزهـا بـه وسـیلهٔ متضادهایشـان شـناخته می‌شوند!

در گزینه‌های «۱» تا «۳» همین مفهوم بیان شده است امـا گزینـهٔ «۴» در توصیف خداوند است و ارتباطی به عبارت صورت سؤال ندارد.

(مفهوم)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

اختراعات از مهم‌ترین ثمرات عقل بشری به شمار می‌آیند، پس آن‌ها هستند که به انسان برای بهبود زندگی روزمرهٔ خود و آسان‌تر کردن کارهایش کمک کرده‌اند. برای مثال، اختراع اینترنت، شیوهٔ ارتباط، کار و آموزش را دگرگـون کـرد. همچنـین دسـتگاه‌هـای پزشـکی مـدرن ماننـد دسـتگاه ام‌آرآی (تصویربرداری با رزونانس مغناطیسی) به پزشکان برای تشخیص بیماری‌ها با دقت بیشتر کمک کرده‌اند. با این حال، اختراعاتی وجود دارنـد کـه اگـر بـه شیوه‌ای غیرمسئولانه استفاده شوند، ممکـن اسـت مضرّ باشـند. بـه عنـوان نمونه، موادّ شیمیایی برای بهبود تولید کشاورزی وارد شدند، اما بـا گذشـت زمان، خسارات زیست‌محیطی و بهداشتی به بار آوردند. همچنـین برخـی از برنامه‌های الکترونیکی که برای سرگرمی طراحی شده‌اند، ممکن است منجـر به اعتیاد و انزوای اجتماعی در میان جوانان شوند. از اینجا روشن می‌شود که اختراعات یک شمشـیر دو لبـه هسـتند؛ آن‌هـا مـی‌تواننـد، برحسـب شـیوهٔ به‌کارگیری و مدیریتشان، وسیله‌ای برای پیشرفت و توسعه باشـند یـا دلیـل مشکلات جدی گردند.

۹۰- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«مواد شیمیایی دارای آثار مفیدی برای کشاورزی و تولیدات زراعـی نیسـتند.» مطابق متن نادرست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بعضی از برنامه‌های الکترونیکی دلیل مشکلات جوانان به شـمار می‌آیند.

گزینهٔ «۲»: اختراعات جدید باعث پیشرفت زندگی انسان و بهبودش شدند.

گزینهٔ «۳»: اینترنت در عصر کنونی، منجر به دگرگونی شیوهٔ کار و یادگیری شد.

(درک مطلب)

۹۱- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

گزینهٔ صحیح در مورد دستگاه ام‌آرآی، عبارت «وسیلهٔ پزشکی جدیـدی اسـت که دقت تشخیص بیماری‌ها را زیاد می‌کند.» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: می‌تواند همهٔ بیماری‌ها را بدون خطا تشخیص دهد. (نادرست)

گزینهٔ «۳»: به بیماران برای تشـخیص بیمـاری‌هایشـان بـه سـرعت کمـک می‌کند. (نادرست)

گزینهٔ «۴»: وسیله‌ای است که باعث زیان‌های زیست‌محیطـی یـا بهداشـتی می‌شود. (نادرست)

(درک مطلب)

۹۲- گزینهٔ «۳» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

منظور متن، عبارت «مهم‌ترین (موضوع) در زمینهٔ اختراعات بشری، چگونگی استفاده از آن‌ها در زندگی است.» می‌باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مخترعان باید قبل از اقدام به هر اختراعی، به‌خوبی به نیّات و اهداف خویش فکر کنند. (نادرست)

گزینهٔ «۲»: برخی از اختراعات ممکن است زیان برسانند همان‌طور که سود می‌رسانند بنابراین بهتر است از آن‌ها استفاده نکنیم. (نادرست)

گزینهٔ «۴»: هیچ وسیله‌ای وجود ندارد که آن را استفاده می‌کنیم مگر اینکه ضرر آن برای بشریّت بیشتر از سودش است. (نادرست)

(درک مطلب)

۹۳- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«مرفوع بالتبعیّة من موصوفها» نادرست است. «الإلکترونیّة» صفت برای «البرامج» است، از طرفی «البرامج» هم مضاف‌الیه و مجرور است، بنابراین «الإلکترونیّة» نیز به تبعیّت از موصوف خود، اعراب مجرور دارد.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۹۴- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«فعل و فاعل» نادرست است. «صُمّمت» فعل مجهول است، پس فاعل ندارد و به‌جای آن، نائب فاعل دارد (باید می‌گفت: فعل و نائب فاعل)!

(تحلیل صرفی و اعراب)

۹۵- گزینهٔ «۲» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

«البُلدانِ» جمع مکسّر است نه مثنّی، پس باید به عنوان مبتدا مرفوع شود و علامت ضمّه بگیرد (صحیح: البُلدانُ).

همچنین «الصِّناعیّةُ» نادرست است (صحیح: الصِّناعیّةُ).

(ضبط حرکات)

۹۶- گزینهٔ «۳» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

در این گزینه، اسم مبنی وجود ندارد و «هذانِ» اسم اشاره و معرب است.

دقت کنید «هَل» حرف پرسشی به معنای «آیا» و مبنی است.

نکات مهم درسی:

۱) ضمیرها، کلمات پرسشی و اسم‌های اشاره مبنی هستند.

۲) اسم‌های اشاره در حالت مثنّی (هذانِ، هذَینِ، هاتانِ، هاتَینِ) معرب محسوب می‌شوند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ضمیر متصل «ی» در «لدیَّ: نزد من، دارم» (لَدیَّ: لدَی + ی) مبنی است.

گزینهٔ «۲»: «مَن» کلمهٔ پرسشی به معنای «چه کسی» و مبنی است. ضمیر متصل «ـها» (در «حلّها») و «کُم» (در «بَینکُم») هم مبنی هستند.

گزینهٔ «۴»: «أولئک» اسم اشاره و مبنی است.

(انواع اعراب)

۹۷- گزینهٔ «۳» *(کامران عبداللهی)*

صورت سؤال، اسمی را می‌خواهد که منصوب باشد و علامت نصبش «ـی» باشد؛ در گزینهٔ «۳»، «طالبین» مفعول و منصوب است با علامت «یاء».

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «مُهندسینِ» مجرور به حرف جر است و «یاء» علامت جر محسوب می‌شود.

گزینهٔ «۲»: «زمیلینِ» مجرور به حرف جر است با علامت «یاء».

گزینهٔ «۴»: «صَدیقَینِ» مضاف‌الیه و مجرور است و «یاء» علامت جر محسوب می‌شود.

(انواع اعراب)

۹۸- گزینهٔ «۴» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

در گزینهٔ «۴»، «المُجدّین» مفعول است. ترجمهٔ عبارت: دانشمندان، افراد کوشا را ازمیان مردم گرامی می‌دارند زیرا آنان عامل اصلی در پیشرفت جامعه هستند.

در سایر گزینه‌ها، «المُجدّین» صفت است.

روش سریع برای حل سؤال:

دقت کنید در گزینهٔ «۴»، «العلماءُ» مرفوع و «المُجدّینَ» منصوب است، یعنی اعرابشان با هم متفاوت است، پس نمی‌توانند موصوف و صفت باشند!

(انواع اعراب)

۹۹- گزینهٔ «۱» *(ولی برهی - ابهر)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینهٔ «۲»، «المُواطنین» نایب فاعل است و باید مرفوع با «واو» شود (المُواطنونَ). در گزینهٔ «۳»، مضارع مجهول نشده و به صورت معلوم آمده است و در جنس نیز با نایب فاعل خود مطابقت ندارد. در گزینهٔ «۴»، «اللّوحات» (فاعلِ جملهٔ معلوم) باید حذف شود و «المُواطنینَ» نیز مرفوع شود.

(فعل مجهول)

۱۰۰- گزینهٔ «۱» *(روح‌الله گلشن)*

صورت سؤال، فعل «یُساعد» را می‌خواهد که می‌تواند مجهول باشد. در این گزینه، «یُساعد» در اصل به شکل «یُساعَد» و مجهول است. ترجمهٔ عبارت: «آیا نیازمندان در دستیابی به نیازهای روزانه‌شان یاری می‌شوند؟»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «الأطفالَ» منصوب شده و مفعول است؛ پس «یُساعد» معلوم است. (دقّت کنید «زمیل» نقش فاعل آن را دارد.)؛ ترجمهٔ عبارت: «پس از ویرانی بیمارستان، (کسی) به کودکان بیمار کمک نکرد مگر همکارم.»

گزینهٔ «۳»: در این گزینه، «الطلّاب» نقش مفعول را دارد و «یُساعد» معلوم است؛ ترجمهٔ عبارت: «مدیر مدرسه به دانش‌آموزان برای شرکت در مسابقه، کمک می‌کند.»

گزینهٔ «۴»: فعل «یُساعد» به ضمیر «کم» که در نقش مفعول است، متّصل شده و معلوم است؛ ترجمهٔ عبارت: «به‌دنبال استاد ماهری بگردید که شما را در فهمیدن درس‌های دشوارتان یاری کند.»

(فعل مجهول)

تاریخ (۳)

۱۰۱- گزینهٔ «۴» *(آیدا فتاح‌زاده)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

ب) برخی گزارش‌ها نشان از آن دارد که روستائیان کم و بیش تحت ستم اربابان و ماموران مالیاتی بوده‌اند.

د) روحانیون به دلیل عدم وابستگی به حکومت و با توجه به آموزه‌های دینی، در مقاطعی از تاریخ معاصر ایران در برابر قدرت‌های خارجی ایستادگی کردند و اقدامات شاهان و درباریان قاجار را به چالش کشیدند.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۱۰۲- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: شیوهٔ تولید شبانکارگی، مختص ایلات و کوچ‌نشینان بود.

گزینهٔ «۲»: کشاورزی در این دوران، کشاورزی معیشتی نبود.

گزینهٔ «۳»: با پایان‌یافتن جنگ‌های ناپلئون در اروپا و سرازیرشدن سیل کالاهای اروپایی، صنایع دستی ایران رو به انحطاط رفت.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۴۹ تا ۵۲)

۱۰۳- گزینهٔ «۳» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) دانش‌آموزانی که توانایی مالی و علاقه به ادامهٔ تحصیل داشتند، وارد مدرسه‌های قدیم و حوزه‌های علمیه می‌شدند.

ج) دانش‌آموختگان مراکز علمی و آموزشی جدید، نقش مؤثری در انتشار و ترویج افکار نو به ویژه تفکر مشروطه‌خواهی و حکومت قانون داشتند.

هـ) برخی از کشورهای استعمارگر، به دلیل منافع خود، درصدد تغییر روش‌های تعلیم و تربیت در ایران بودند.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۱۰۴- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

به‌دنبال سقوط صفویان، هنر نگارگری نیز در سایهٔ جنگ‌های داخلی رو به افول نهاد. نقاشی در عصر قاجاریه به دنبال وحدت سیاسی، استقرار امنیت و در سایهٔ حمایت پادشاهان و دربار از یک سو و ارتباط با غرب از سوی دیگر دچار تحولی اساسی شد. فتحعلی‌شاه برجسته‌ترین هنرمندان نقاش را در تهران گرد آورد و آن‌ها را به کشیدن پرده‌های بزرگ برای نصب در کاخ‌ها تشویق کرد.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحهٔ ۵۶)

۱۰۵- گزینهٔ «۱» *(جواد جلیلیان)*

کاخ شمس‌العماره مربوط به بناهای «کارت پستالی» می‌شود که ترکیبی از معماری ایرانی و اروپایی است؛ در حالی‌که گزینهٔ «۱» مربوط به سنت معماری ایرانی اسلامی است. سایر گزینه‌ها با سبک معماری کاخ شمس‌العماره مطابقت دارند.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحهٔ ۵۹)

تاریخ (۱)

۱۰۶- گزینهٔ «۴» *(آیدا فتاح‌زاده)*

الف) اسکندر مقدونی در سال ۳۲۳ قبل از میلاد در بابل درگذشت.

ب) سلوکوس، بر بین‌النهرین، بخش‌هایی از آسیای صغیر، سوریه و فلات ایران حاکم شد.

ج) در زمان مهرداد اول، سلسلهٔ اشکانیان از یک حکومت محلی به پادشاهی قدرتمندی تبدیل شد.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه‌های ۹۰، ۹۲ و ۹۳)

۱۰۷- گزینهٔ «۳» *(یاسین ساعدی)*

ـ برخی از مورخان، اقدام خسرو پرویز را در برانداختن حکومت لخمیان، اشتباه بزرگی می‌شمارند.

ـ حکومت ساسانیان با اقدامات و موفقیت‌های مهم شاپور یکم و دوم در زمینه‌های سیاسی و نظامی، گسترش یافت و تثبیت شد.

ـ با شدت یافتن اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانیان، سردار مشهور، بهرام چوبین، علیه هرمز چهارم سر به شورش برداشت و او را برکنار کرد.

ـ وضعیت سیاسی حکومت ساسانی در زمان شیرویه چنان بی ثبات شد که در فاصلهٔ چهارسال، بیش از ده تن بر تخت شاهی نشستند.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه‌های ۹۴ تا ۹۸)

۱۰۸- گزینهٔ «۳» *(جواد جلیلیان)*

الف) کورش بزرگ بنیان‌گذار حکومت هخامنشی از تشکیلات و تجربه‌های اداری حکومت‌های پیشین برای ادارهٔ امور کشور استفاده کرد.

ب) به نظر می‌رسد که شاهان ماد به تقلید از شاهان پیشین و معاصر خود حکومت می‌کردند و احتمالاً دربار و تشکیلات اداری محدود و کوچکی داشته‌اند که شامل پادشاه و برخی صاحب منصبان درباری، فرماندهان نظامی و حاکمان محلی می‌شده است.

ج) سلوکیان بخش عمده‌ای از تشکیلات دیوانی (اداری و مالی) هخامنشیان را به خدمت گرفتند. تقسیمات کشوری مانند روزگار هخامنشی بود و سلوکیان، قلمرو خود را به تعداد زیادی شهربی (ساتراپی) تقسیم کردند. آنان در گرفتن مالیات به روش پیشین عمل می‌کردند. فرمانروایان سلوکی همچنین به سیاست آزادی و مدارای دینی پادشاهان هخامنشی ادامه دادند.

(تاریخ (۱)، آیین کشورداری، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۲)

۱۰۹- گزینهٔ «۳» *(علیرضا پدرام)*

در دورهٔ هخامنشی، قدرت و اختیارات پادشاه نامحدود نبود، بلکه توسط قوانین، محدود می‌شد. چنان‌که «هرودت به قانونی ایرانی اشاره می‌کند که براساس آن، شاه نباید کسی را به سبب یک‌بار ارتکاب جرم، به مرگ محکوم کند.»

(تاریخ (۱)، آیین کشورداری، صفحهٔ ۱۰۵)

۱۱۰- گزینهٔ «۴» *(فاطمه عزیزی)*

ابتدا به تشریح عبارت‌ها می‌پردازیم:

الف) مربوط به حکومت ماد است.

ب) مربوط به حکومت هخامنشیان است.

ج) درست است. (رد گزینهٔ «۲»)

د) عبارت نادرستی است؛ خانوادهٔ گسترده تا عهد هخامنشیان تداوم یافت.

با توجه به هرم‌های کتاب درسی، وجه شباهت هرم اجتماعی اشکانیان و ساسانیان در داشتن «نجبای درجهٔ یک و دو» است و بازرگانان در هر دو سلسله، جزء تودهٔ مردم محسوب می‌شدند. (رد گزینه‌های «۱ و ۳»)
خاندان‌های شاهی نیز در عهد هخامنشیان و اشکانیان، طبقهٔ دوم هرم اجتماعی را تشکیل می‌دادند. (درستی گزینهٔ «۴»)

(تاریخ (۱)، جامعه و خانواده، صفحه‌های ۱۰۹ تا ۱۱۴)

تاریخ (۲)

۱۱۱- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

گزاره‌های داده‌شده، به‌ترتیب (الف: مربوط به دوران غزنویان)، (ب: مربوط به دوران سلجوقیان)، (ج: مربوط به دوران خوارزمشاهیان) و (د: مربوط به دوران سلجوقیان) است.

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۵)

۱۱۲- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

در دوره‌های حکمرانی غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، پیروان مذهب اسماعیلیه در شهرها و روستاهای ایران پراکنده بودند. این گروه، مهم‌ترین مخالفان خلافت عباسی و دو حکومت غزنوی و سلجوقی بودند و به همین دلیل، همیشه از سوی این حکومت‌ها مورد تعقیب و آزار قرار داشتند.

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحهٔ ۱۰۸)

۱۱۳- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

ایران که با سقوط خلافت عباسی و تشکیل حکومت ایلخانی به لحاظ جغرافیایی و سیاسی وضعیت منسجم‌تری یافته بود، در عهد سلطنت غازان به استقلال و اقتدار بیشتری رسید.

در سراسر دورهٔ حاکمیت ایلخانان وضعیت یکسان و یکنواختی وجود نداشت. دورهٔ حاکمیت آن‌ها را می‌توان به دورهٔ نامسلمانی و دورهٔ مسلمانی تقسیم کرد. در دورهٔ نامسلمانی مغول، بزرگان ایرانی برای مهار خشونت و رفتارهای خودسرانهٔ فاتحان مغول، تلاش‌های بسیار کردند.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول ـ تیموری، صفحه‌های ۱۱۵ و ۱۱۶)

۱۱۴- گزینهٔ «۴» *(یاسین ساعدی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) یاسا به عنوان مجموعهٔ قوانینی که چنگیزخان تدوین کرده بود، به مغول‌ها توصیه می‌کرد که از شهر و شهرنشینی دوری گزینند.

ج) در عصر مغول ـ تیموری، سه گونه مالیات کشاورزی، مالیات بازرگانی، و مالیات دامی تا پایان عهد تیموریان تداوم یافت.

د) یکی از ویژگی‌های نظام اجتماعی عصر مغول ـ تیموری افزایش نفوذ و موقعیت زنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بود و خاتون‌ها در کنار خان‌ها، از جایگاه مهمی در میان گروه‌های فرادست برخوردار شدند.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول ـ تیموری، صفحه‌های ۱۱۹ تا ۱۲۲ و ۱۲۴)

۱۱۵- گزینهٔ «۴» *(آیدا فتاح‌زاده)*

در دورهٔ ایلخانان به ویژه به‌دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی، تشیع در ایران گسترش یافت. آن زمان نفوذ مذهب تشیع به حدی رسید که ایلخان الجایتو، جانشین غازان به این مذهب گروید. سلاطین تیموری پیرو مذهب تسنن بودند.

(تاریخ (۲)، فرهنگ و هنر در عصر مغول ـ تیموری، صفحه‌های ۱۲۶ و ۱۲۷)

جغرافیا (۳)

۱۱۶- گزینهٔ «۳» *(فرزانه ناظمی)*

ـ نابرابری فضایی از مشکلات مربوط به تجهیزات و خدمات عمومی است.
ـ زاغه‌نشینی از مسائل مربوط به مشکل مسکن در شهرهاست که علاوه بر حاشیهٔ شهر، ممکن است در نقاط مختلف شهر نیز وجود داشته باشد.
ـ مشکل مهاجران در ناتوانی در پرداخت هزینهٔ مسکن با مشغول شدن به کارهایی مانند کارگری روزمزد، مربوط به اشتغال شهری است.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۱۱۷- گزینهٔ «۱» *(یاسین ساعدی)*

ـ خسارت وارد کردن به اموال عمومی، بناها و آثار فرهنگی یکی دیگر از انحرافات اجتماعی در شهرهاست که به آن وندالیسم شهری می‌گویند.
ـ یکی از ارکان مهم پایداری یک شهر سالم به حداقل رساندن آلودگی و تخریب محیط زیست است.
ـ صاحب‌نظران معتقدند که در طراحی مبلمان شهری، باید فرهنگ و هنر بومی و ملی تقویت گردد.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۴ و ۲۶)

۱۱۸- گزینهٔ «۳» *(علیرضا پدرام)*

با توجه به سرانهٔ استاندارد و جمعیت شهر داریم:

$$\text{سرانه} = \frac{\text{فضای سبز}}{\text{جمعیت}} \Rightarrow \text{فضای سبز} = (\text{سرانه}) \times (\text{جمعیت})$$

$$\Rightarrow \text{فضای سبز} = (۲۰) \times (۴۰/۰۰۰) = ۸۰۰/۰۰۰$$

پس به‌طور استاندارد، این شهر نیاز به ۸۰۰/۰۰۰ متر مربع فضای سبز دارد، با توجه به شرایط موجود می‌توان گفت:

$$۸۰۰/۰۰۰ - ۳۶۰/۰۰۰ = ۴۴۰/۰۰۰$$

یعنی حداقل ۴۴۰ هزار متر مربع باید به فضای سبز شهری اضافه شود.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۸ و ۲۹)

۱۱۹- گزینهٔ «۴» *(جواد جلیلیان)*

برنامهٔ توسعهٔ روستایی، برنامه‌ای است که با هدف بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی روستانشینان طراحی می‌شود. تحقق روستای پایدار که در راستای این برنامه صورت می‌گیرد، سه رکن دارد:
۱- فعال کردن اقتصاد روستا ۲- خدمات اجتماعی و فرهنگی ۳- حفظ محیط زیست روستا و چشم‌اندازهای طبیعی آن.
با عنایت به توضیحات بالا، گزینهٔ «۴» شامل هر سه رکن تحقق روستای پایدار می‌شود و در نتیجه نسبت به سایر گزینه‌ها جامع‌تر است.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۱۲۰- گزینهٔ «۴» *(فاطمه احمدی)*

یکی از ویژگی‌های عمدهٔ برنامهٔ آمایش سرزمین، توجه به عدالت در توسعه است که بین مناطق کشور از نظر دسترسی به منابع و امکانات، تعادل برقرار می‌شود. در این برنامه به منظور تحقق عدالت اجتماعی، از توسعهٔ نامساوی و تمرکز ثروت و سرمایه در برخی مناطق و فقر و محرومیت در مناطق دیگر جلوگیری می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحهٔ ۳۶)

جغرافیای ایران

۱۲۱- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

مطابق قانون ۷۰، ۲۸ سال طول می‌کشد تا جمعیت این کشور، دو برابر شود، یعنی بعد از ۲۸ سال، جمعیت این کشور به ۱۰۰ میلیون نفر می‌رسد؛ همچنین با توجه به اینکه نرخ رشد ثابت است، ۲۸ سال دیگر مجدداً طول می‌کشد تا جمعیت از ۱۰۰ میلیون نفر به ۲۰۰ میلیون نفر برسد؛ بنابراین بعد از ۵۶ سال **(۵۶ = ۲۸ + ۲۸)** جمعیت کشور «A»، ۲۰۰ میلیون نفر می‌شود.

نکتهٔ مهم درسی:

مطابق قانون ۷۰، مدت زمانی که طول می‌کشد تا جمعیت کشوری دو برابر شود، از رابطهٔ زیر به‌دست می‌آید:

$$\text{مدت زمان دو برابر شدن جمعیت} = \frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}}$$

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحهٔ ۶۸)

۱۲۲- گزینهٔ «۲» *(یاسین ساعدی)*

بر اساس هرم سنی در ایران، گروه سنی کودکان و نوجوانان تا ۱۴ سال، گروه سنی جوانان شامل ۱۵ تا ۲۹ سال، گروه سنی بزرگسالان شامل ۳۰ تا ۵۹ سال و گروه سنی سالمندان شامل ۶۰ سال به بالاست.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحهٔ ۷۰)

۱۲۳- گزینهٔ «۲» *(فاطمه عزیزی)*

مهاجرت عبارت است از جابه‌جایی بین دو واحد جغرافیایی یا به عبارتی ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر.

بعضی از متخصصان، مهاجرت از ابتدای قرن بیستم تا به حال را در سه شکل (نوع) بیان کرده‌اند که یکی از آن‌ها، مهاجرت‌های گروهی است که براساس تصمیمات سیاسی انجام می‌شوند. (رد گزینهٔ «۴»)

مهاجرت بر مکان مبدأ و مقصد اثر می‌گذارد؛ تغییرات به وجود آمده بر ترکیب سنی و جنسی، قیمت زمین و مسکن، اشتغال، امکانات و تجهیزات، فرهنگ و زبان قابل مشاهده است. (رد گزینهٔ «۳»)

نکتهٔ قابل توجه در مهاجرت این است که اعضای یک خانواده با هم به دنیا نمی‌آیند و با هم از دنیا نمی‌روند (مگر در سوانح)، ولی اغلب، اعضای خانوارها با هم مهاجرت می‌کنند و حتی در مواردی، چندین خانواده یا کلیهٔ ساکنان یک محل یا منطقه به خاطر عامل یا عوامل مشترک، جابه‌جا می‌شوند. به همین خاطر، مطالعهٔ مهاجرت در بحث تغییرات جمعیت بسیار مهم است. (رد گزینه‌های «۱ و ۳»)

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۱۲۴- گزینهٔ «۴» *(فرزانه ناظمی)*

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: قسمت اول مربوط به دوران آریاییان است و قبل از زمانی بوده که کشور به ۷۲ بخش تقسیم شده بود. (سلوکیان)

گزینهٔ «۲»: قسمت اول مربوط به دوران عباسیان است و قبل از زمانی است که تقسیمات کشوری به‌ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه

گزینهٔ «۳»: قسمت اول مربوط به دوران قاجاریه است. در دورهٔ صفویه، زندیه، افشاریه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به‌ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه. پس قسمت اول و دوم عبارت گزینهٔ «۳» هر دو مربوط به قاجاریه می‌شود و بعد از آن نبوده است.

(جغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۷ و ۷۸)

۱۲۵- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۱۴۰۱)*

هر شهرستان از به هم پیوستن چند بخش همجوار تشکیل شده که از نظر عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، واحد متناسب و همگنی را به‌وجود آورده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: دهستان کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدودهٔ جغرافیایی معین است که از به‌هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعهٔ همجوار تشکیل می‌شود.

گزینهٔ «۳»: استان واحدی از تقسیمات کشوری است که با محدودهٔ جغرافیایی معین، از به‌هم پیوستن چند شهرستان همجوار تشکیل می‌شود.

گزینهٔ «۴»: بخش واحدی از تقسیمات کشوری با محدودهٔ جغرافیایی معین است که از به‌هم پیوستن چند دهستان همجوار تشکیل شده است. هر بخش تابع شهرستان است.

(جغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

جغرافیا (۲)

۱۲۶- گزینهٔ «۱» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) نوع چهارم (رد گزینهٔ «۳»)

ب) نوع اول (رد گزینهٔ «۴»)

ج) نوع دوم (رد گزینهٔ «۲»)

د) نوع سوم (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)

نکته: از آنجایی که ترتیب در سؤال مهم بود؛ گزینهٔ «۲» رد می‌شود.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحهٔ ۸۴)

۱۲۷- گزینهٔ «۲» *(فرزانه ناظمی)*

ترتیب زمانی وقوع اتفاقات در موارد بالا «الف»، «ب»، «ج» و «د» می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مورد «الف» شرط فراهم آمدن مورد «ج» می‌باشد.

گزینهٔ «۳»: وضعیت مورد «ب» تحت تأثیر «الف» است.

گزینهٔ «۴»: در واقع مورد «ج» از مورد «الف» از نظر زمانی، دیرتر اتفاق افتاده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۲۸- گزینهٔ «۳» *(جواد جلیلیان)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مثال مذکور بر طبق کتاب درسی مربوط به نوآوری و رقابت صنایع های‌تِک است. (نه فناوری پیشرفته و استفاده از محققان.)

گزینهٔ «۲»: کشورهای کرهٔ جنوبی، تایوان، مالزی و سنگاپور در چند دههٔ اخیر به تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم کالاهای صنعتی در جهان

تبدیل شده‌اند. (ژاپن از مهم‌ترین نواحی صنعتی در شرق آسیا است؛ نه اینکه در چند دهه اخیر به این جایگاه رسیده باشد.)

گزینهٔ «۴»: پیشرفت صنایع های‌تِک بر مبنای نوآوری و رقابت است. (نه استفاده از متخصصان و محققان.)

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه‌ها ۹۵ تا ۹۷)

۱۲۹- گزینهٔ «۱» *(فرزانه ناظمی)*

با آغاز عصر اکتشافات و پیشرفت دریانوردی، اروپاییان با تصرف بخش‌هایی از آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی به استخراج و غارت منابع طبیعی پرداختند. همچنین با وقوع انقلاب صنعتی و نیاز بیشتر اروپاییان به مواد اولیه، این استعمارگری گسترش یافت.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحهٔ ۱۰۲)

۱۳۰- گزینهٔ «۲» *(فاطمه احمدی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این اقدام فقط وابستگی کشور به مرکز را بیشتر می‌کند. (تحول فناورانه ندارد.)

گزینهٔ «۳»: این اقدام بیشتر واردات را تقویت می‌کند، نه تولید و استقلال صنعتی کشور.

گزینهٔ «۴»: این اقدام بیشتر به درآمد خدماتی و جغرافیایی محدود می‌شود و تحول فناورانه و صنعتی به‌وجود نمی‌آورد.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۱۱)

فلسفهٔ دوازدهم

۱۳۱- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

اگر علّت یک‌چیز موجود شود، موجود شدن آن چیز نیز واجب می‌شود و ضرورت می‌یابد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: علّت به معلول خود ضرورت وجود می‌بخشد و معلول را موجود می‌کند.

گزینهٔ «۳»: اشیا در ذات و ماهیت خود، ممکن‌الوجود هستند و اگر اکنون موجود هستند، به خاطر این است که به‌واسطهٔ علت خود از حالت امکانی خارج شده و وجود برای آن‌ها ضروری و واجب شده و لذا موجود گردیده‌اند. (وجوب وجود)

گزینهٔ «۴»: معلول با قطع‌نظر از علّت، «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می‌یابد و موجود می‌شود.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ و ۲۰)

۱۳۲- گزینهٔ «۳» *(پرگل رحیمی)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: درست ← چون این دیدگاه اصل علّیت را نه یک واقعیت خارجی، بلکه حاصل تداعی ذهنی می‌داند.

گزینهٔ «۲»: درست ← حس می‌تواند فقط اجسام، شکل‌ها، رنگ‌ها و ... را نشان دهد، نه ضرورت رابطهٔ علّیت میان اجسام و پدیده‌ها را.

گزینهٔ «۳»: نادرست ← این دیدگاه تصریح می‌کند که ضرورت رابطهٔ علت و معلول هرگز از راه مشاهدهٔ مستقیم قابل دریافت نیست.

گزینهٔ «۴»: درست ← در این نظریه، تکرار تجربه‌ها منجر به شکل‌گیری تصور ضرورت در ذهن می‌شود.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۳۳- گزینهٔ «۲» *(موسی سپاهی - سراوان)*

فلاسفهٔ مسلمان اصل علّیت را یک قاعدهٔ عقلی می‌دانند که از تجربه به دست نمی‌آید بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» همگی نتیجه‌گیری تجربی و بر اساس مشاهده هستند، اما گزینهٔ «۲» از استدلال عقلی استفاده کرده است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحهٔ ۱۷)

۱۳۴- گزینهٔ «۴» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

وقتی کسی برای رفع مشکل خاصی (معلول) به پزشک و متخصص آن کار (علت) مراجعه می‌کند بیانگر این است که هر کسی (هر علتی) نمی‌تواند مشکلش را برطرف کند (معلول) و تنها افراد خاصی توانایی برطرف‌کردن مشکلش را دارند که این امر بیانگر اصل سنخیت است.

اینکه پزشک انتظار دارد بیمار با خوردن داروی تجویزی او (علت)، کمردردش برطرف شود (معلول)، نشان‌دهندهٔ باور به اصل وجوب علّی و معلولی است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۱۳۵- گزینهٔ «۳» *(حسین آفوندی راهنماپی)*

اگر علتی حاضر باشد ولی معلول ایجاد نشود، حتماً علت ما ناقصه بوده است؛ برای موجودشدن قطعی معلول نیاز به علت تامه داریم.

اتفاق در معنای اول (۱- بدون علت به وجود آمدن ۲- با علت به وجود نیامدن) و در معنای دوم (نبود سنخیت میان علت و معلول) در این مثال قابلیت رخ دادن ندارد.

(فلسفهٔ دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۱۳۶- گزینهٔ «۱» *(جواد پاکدل - فاروج)*

در معنای دوم اتفاق سنخیت میان علت و معلول و تمام پیامدها و نتایج حاصل از آن نفی می‌شود. با دقت به صورت سؤال می‌توان دریافت که برای نفی معنای دوم اتفاق باید به قاعدهٔ سنخیت اعتقاد داشت و این اعتقاد و پذیرش در بیت «اگر یک ذره را برگیری از جای / خلل یابد همه عالم سراپای» به‌وضوح دیده می‌شود. (رد سایر گزینه‌ها)

(فلسفهٔ دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۱۳۷- گزینهٔ «۴» *(علی معزی)*

گروهی از منکران خدا، می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: معنای اول اتفاق مستلزم «نبود علت و وجود معلول» یا «وجود علت و نبود معلول» است. بنابراین با پذیرش این معنا از اتفاق رابطهٔ وجودی میان این دو برقرار نخواهد بود.

گزینهٔ «۲»: بیشترین اختلافات مربوط به معنی سوم اتفاق است که حتی سه نظر در کتاب درسی بررسی شده است.

گزینهٔ «۳»: پذیرش معنی اول اتفاق ناشی از جهل به تمایز علت تامه و ناقصه است.

(فلسفهٔ دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

۱۳۸- گزینهٔ «۴» *(محمد کرمی‌نیا - رفسنجان)*

پذیرش اتفاق به معنای چهارم؛ یعنی وقوع حوادث پیش‌بینی‌نشده که هیچ‌کدام از اصول و مؤلفه‌ها و لوازم اصل علّیت را انکار نمی‌کند.

(فلسفهٔ دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

۱۳۹- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

صادر شدن هر علتی از هر معلولی عبارتی نادرست است و جزء هیچ‌کدام از معانی اتفاق نیست.

(فلسفهٔ دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

۱۴۰- گزینهٔ «۱» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

اگر فرض کنیم علت در کمترین زمان ممکن باعث پیدایش معلول شده است به این معنی است که معلول در یک زمانی هرچند اندک از علت خود تخلف کرده است و این خلاف اصل وجوب علّی و معلولی است. طبق اصل وجوب علّی و معلولی میان علت و معلول هیچ فاصلهٔ زمانی وجود ندارد حتی به اندازهٔ کسری از ثانیه. (معنای اول اتفاق)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: این مطلب مربوط است به اصل سنخیت و معنای دوم اتفاق.

گزینهٔ «۳»: این عبارت مرتبط است با معنای سوم اتفاق.

گزینهٔ «۴»: طبق توضیح گزینهٔ «۱» فاصلهٔ زمانی میان علت و معلول باعث نفی رابطهٔ ضروری می‌شود.

(فلسفهٔ دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۷)

منطق

۱۴۱- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

هدف از تعریف‌کردن شناساندن مفاهیم و تصورهای مجهول برای شنونده است. *(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۳۲)*

۱۴۲- گزینهٔ «۱» *(محمد کرمی‌نیا - رفسنجان)*

برخی از انواع تعریف، به‌ویژه تعریف لغوی، در لغت‌نامه‌ها موجود است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۲۸ تا ۳۳)

۱۴۳- گزینهٔ «۳» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

در منطق سه شیوه برای تعریف لغوی مفاهیم وجود دارد:

۱- بیان معنای لغوی یک مفهوم؛ مثل: بهمن: به معنای اندیشهٔ نیک است.

۲- استفاده از مترادف‌های یک مفهوم؛ مثل: فردوس: پردیس، باغ، بستان و بهشت و ....

۳- بیان نحوهٔ شکل‌گیری یک واژه؛ مثل: ناجا: مخفف حروف نخستین کلمات «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»؛ یا: بهمن مرکب از «به» (خوب و نیک) + «من» (نفس و اندیشه)؛ (البته بیان معانی «به» و «من» ذیل معنای لغوی است، نه نحوهٔ شکل‌گیری واژه و در اینجا برای واضح‌ترشدن معانی این دو بخش کلمه آمده است.)

در این سؤال گزینه‌های «۱ و ۲ و ۴» از نوع اول تعریف لغوی هستند (بیان معنای لغوی یک مفهوم)، اما گزینهٔ «۳» نوع دوم تعریف لغوی (استفاده از واژه‌های مترادف) است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۳۰)

۱۴۴- گزینهٔ «۱» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

تصویر با تصور متفاوت است. در تعریف از طریق ذکر مصادیق، تصاویری یا نمونه‌هایی از مصادیق مفهوم مورد نظر را بیان می‌کنیم یا نشان می‌دهیم نه تصور.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: تعریف از طریق ذکر مصادیق، در فلسفه کاربرد چندانی ندارد، چون فلسفه با مفاهیم انتزاعی سروکار دارد.

گزینهٔ «۳»: تعریف موردنظر یک مفهوم عام (آشفتگی یا خشم) و یک ویژگی خاص (ناشی از بی‌نتیجه‌ماندن فعالیت) دارد و بنابراین تعریفی مفهومی است.

گزینهٔ «۴»: در تعریف از طریق ذکر مصادیق، مصداق‌ها می‌توانند جزئی یا کلی باشند. مانند اینکه در تعریف لبنیات بگوییم: شیر و ماست و دوغ که کلی‌اند یا در تعریف رودخانه بگوییم: ارس و کارون که جزئی‌اند.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۱۴۵- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جامع و مانع بودن مربوط به مصادیق و افراد است نه مربوط به مفاهیم.

گزینهٔ «۲»: تعداد مصادیق ربطی به جامع و مانع بودن تعریف ندارد.

گزینهٔ «۳»: این عبارت نه بیانگر جامع بودن تعریف است و نه مانع بودن آن را نتیجه می‌دهد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۳۵)

۱۴۶- گزینهٔ «۴» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

در تعریف مفهومی از مفاهیم عام و خاص استفاده می‌شود. مفاهیم C و B نسبت به مفهوم A مفاهیم عام هستند و تنها مفهوم خاص A مفهوم D است، بنابراین باید مفهوم D در کنار دیگر مفاهیم قرار گیرد تا یک تعریف مفهومی درست داشته باشیم. از کنار هم قرارگرفتن مفاهیم عام تعریف مفهومی درستی به دست نمی‌آید.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۳۱)

۱۴۷- گزینهٔ «۴» *(حسین آفوندی راهنماچی)*

برای تعریف مفهومی باید مفهومی عام‌تر از مفهوم مجهول موجود باشد؛ اما در برخی از موارد مانند مفهوم «جوهر» یا «مقدار» مفهومی عام‌تر وجود ندارد؛ پس به‌ناچار این مفاهیم را به‌صورت لغوی تعریف می‌کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: همیشه نسبت مفهوم مجهول با مفهوم عام، عموم و خصوص مطلق است. انسان: حیوان ناطق (بین انسان و حیوان نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.)

گزینهٔ «۲»: همیشه نسبت مفهوم مجهول با تعریف صحیح، تساوی است. (تعریف صحیح، جامع و مانع است، پس نسبتش با مفهوم مجهول باید تساوی باشد.)

گزینهٔ «۳»: گاهی نسبت مفاهیم درون تعریف با هم، عموم و خصوص من‌وجه است گاهی هم عموم و خصوص مطلق:

اسب: حیوان شیهه‌کشنده ← عموم و خصوص مطلق

جیوه: فلز در حالت طبیعی مایع ← عموم و خصوص من‌وجه

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۳۱)

۱۴۸- گزینهٔ «۴» *(حمید سوریان)*

در تعریف مفهومی حتماً تعریف با مفهوم عام‌تر آغاز می‌شود و سپس با مفاهیم بعدی خاص‌تر و خاص‌تر می‌شود تا در انتها تعریف مساوی با مفهوم مجهول شود؛ بنابراین معمولاً مفاهیم داخل تعریف با هم رابطهٔ عموم و خصوص مطلق دارند به گونه‌ای که مفهوم آغازین عام‌ترین است (عمومیت دارد) و سایر مفاهیم به ترتیب خاص‌تر می‌شوند. مثلاً در تعریف مثلث به شکل سه‌ضلعی، «شکل» مفهوم عام و «سه‌ضلعی» مفهوم خاص است. (تأیید گزینهٔ «۴») البته ممکن است مفاهیم تعریف، بیرون از فضای تعریف با هم رابطهٔ عموم و خصوص من‌وجه هم داشته باشند. مثلاً تعریف جیوه به فلز مایع در فضای این تعریف، تعریف به عام و خاص است؛ زیرا مقصود از «مایع» مایعاتی در دایرهٔ فلزات است که تنها بر جیوه تطبیق می‌کند. اما مفهوم «مایع» بیرون از فضای تعریف با «فلز» رابطهٔ عموم و خصوص من‌وجه دارد، زیرا برخی مایعات فلز نیستند (شیر و بنزین) و برخی فلزات هم مایع نیستند (آهن و طلا) و برخی فلزات هم مایع هستند (جیوه). بنابراین گاهی اوقات نمی‌توان مفهوم پایانی را به‌تنهایی تعریف جامع و مانع مفهوم مجهول در نظر گرفت (مثلاً در «جیوه: فلز مایع»، نمی‌توان جیوه را با مفهوم «مایع» به‌تنهایی به‌صورت جامع و مانع تعریف کرد) (رد گزینهٔ «۲»).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: درست است که نمی‌توان برای مفهوم جزئی تعریف مفهومی ارائه داد، ولی لزومی ندارد تمام اجزای تعریف لغوی، مفاهیم جزئی باشند. مثلاً تعریف دماوند به «نام بلندترین کوه در شمال تهران» دارای اجزای کلی هم هست و شامل هیچ مصداق واقعی جز دماوند نمی‌شود.

گزینهٔ «۳»: یکی از راه‌های تعریف لغوی بیان مترادف‌هاست ولی تنها راه این نیست. مثلاً تعریف فردوس به «معرّب پردیس» تعریف لغوی است ولی مفهوم «معرب» مترادف «پردیس» نیست.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۵)

۱۴۹- گزینهٔ «۴» *(موسی سپاهی - سراوان)*

هدف از تعریف شناساندن مفاهیم مجهول برای مخاطب است. در بیشتر موارد ارائهٔ مجموعه‌ای از چند نوع تعریف به معرفی بهتر آن مفهوم کمک می‌کند.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: فقط تعریف لغوی است.

گزینهٔ «۲»: ترکیبی از تعریف لغوی و مفهومی است اما تعریف مصداقی ندارد.

گزینهٔ «۳»: فقط تعریف مصداقی است.

گزینهٔ «۴»: ترکیبی از تعریف لغوی (خانهٔ کتاب)، تعریف مفهومی (در آنجا کتاب‌ها برای دسترسی به منابع مکتوب و دیجیتال سازمان‌دهی شده‌اند) و تعریف از طریق ذکر مصادیق (کتابخانهٔ ملی و دانشگاهی) است و بنابراین پاسخ سؤال همین گزینه است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

۱۵۰- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

شرطِ «وضوح» باعث می‌شود تعریف از مشترک لفظی و استعاره و مجاز پاک شود؛ زیرا هر سه تصور واضح از مفهوم مجهول ارائه نمی‌دهند و باعث عدم وضوح تعریف می‌شوند.

مثال اشتراک لفظ ← «روح: چیزی که لطیف است» در اینجا واژهٔ «لطیف» دارای دو معنا است: ۱- نازک و سبک ۲- نرم و خوشایند

مثال استعاره: «هلال ماه: گوشوارهٔ آسمان» در اینجا از استعاره استفاده شده است.

بنابراین استفاده از الفاظ مشترک لفظی و استعاره باعث عدم وضوح تعریف می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: در معیار جامع و مانع بودن سخن از در بر گرفتن «مصادیق» مفهوم مجهول است نه تمام ویژگی‌های عام و خاص آن مفهوم.

گزینهٔ «۳»: «از دیگری سؤال کرد چه خورده‌ای؟ گفت آنچه در سبو است، خورده‌ام. باز پرسید آنچه در سبو است چیست؟ گفت آن مخفی است. باز پرسید آنچه که مخفی است چیست؟ گفت آنچه که خورده‌ام.»؛ این مثال نمونه‌ای از تعریف دوری به‌واسطهٔ چند مفهوم است. ملاحظه می‌کنید که باز هم مشخص نمی‌شود مفهوم مجهول چه بوده است و بنابراین از نظر منطقی ایراد دارد.

گزینهٔ «۴»: مانع بودن تعریف بدین‌معناست که تعریف مانع ورود اغیار شود نه اینکه اغیار را ذیل خود بگنجاند.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۸)

فلسفهٔ یازدهم

۱۵۱- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

سقراط می‌گوید: «من هم با تهیدستان و هم با توانگران همنشینی می‌کنم تا از من بپرسند و به من گوش فرا دهند ... این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رؤیاها بر عهدهٔ من نهاده است.»

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحهٔ ۳۸)

۱۵۲- گزینهٔ «۱» *(پرگل رحیمی)*

در اندیشهٔ سقراط، آگاهی به نادانی دقیقاً آغاز راه دانایی است، نه امری که در مسیر دانایی اخلال ایجاد کند. بنابراین این برداشت مخالف معنای اصلی جمله است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: پذیرش محدودیت‌های شناخت انسان در اندیشهٔ سقراط جایگاه اساسی دارد.

گزینهٔ «۳»: تفاوت اصلی در این است که کسی که جهل خود را می‌پذیرد، گام در مسیر حقیقت‌جویی می‌گذارد.

گزینهٔ «۴»: سقراط به‌شدت با ادعای دانایی بدون آگاهی واقعی مخالفت می‌کرد.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۱۵۳- گزینهٔ «۱» *(محمد کرمی‌نیا - رفسنجان)*

از نظر سوفیست‌ها، علم و شناخت ساخته و پرداختهٔ ذهن انسان‌هاست نه فقط فیلسوفان و انسان هرگز به واقعیت دست نمی‌یابد و هرچه را ما علم می‌نامیم، هیچ تطابقی با واقعیت ندارد.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحهٔ ۳۷)

۱۵۴- گزینهٔ «۲» *(حمید سودیان)*

جامعهٔ آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداختهٔ ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد. آنان با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشهٔ خود می‌پرداختند و بر شیوهٔ زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند. تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی اخلاق و فضیلت میان مردم کم‌رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه‌دادن باطل بودند. در چنین شرایطی که جامعهٔ آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می‌گرفت و حق‌طلبی در سایهٔ جدل و سخنوری ماهرانه کم‌رنگ می‌شد، قهرمانی به نام «سقراط» پرچم علم و فضیلت را برافراخت. او برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالودهٔ تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.

بنابراین دو عامل اصلی وجود داشت که جامعهٔ آتن را با بحران روبه‌رو ساخته بود و نیاز به فردی همچون سقراط حس می‌شد. یکی متزلزل‌شدن حقیقت‌طلبی و واقع‌گرایی و اعتبار علم و دیگری انحطاط اخلاقی و کم‌رنگ‌شدن فضیلت‌ها. جنبهٔ اول مربوط به امکان شناخت و در حوزهٔ نظری است و جنبهٔ دوم مربوط به اخلاق و در حوزهٔ عملی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های «۱ و ۳»: هر کدام فقط به یکی از دو جنبه اشاره کرده‌اند و ناقص هستند.

گزینهٔ «۴»: اولاً مردم به دنبال حق جلوه‌دادن باطل بودند، نه باطل جلوه‌دادن حق. ثانیاً این گزینه به عامل مشکلات جامعه یعنی تأثیرگذاری سوفسطائیان اشاره نکرده است.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۶ تا ۳۸)

۱۵۵- گزینهٔ «۳» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

سقراط یکی از مفاهیمی را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی‌گزید و درباره‌اش پرسش می‌کرد. مثلاً می‌پرسید «دوستی چیست؟» یا «شجاعت چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می‌شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می‌کرد به‌طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ‌دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می‌گرفت، به‌تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت. ضمناً این روش بحث سقراط روش بحثی ثابت بود.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۱۵۶- گزینهٔ «۴» *(حسین آفوندی راهنماپی)*

در واقعیت جرم سقراط می‌توانست جرم سیاسی باشد مثلاً: تشویش اذهان عمومی یا عیان‌کردن جهالت افراد قدرتمند و پرنفوذ یا به‌هم‌زدن کسب‌وکار سوفیست‌ها؛ اما به علت وجود ساختار دموکراسی نمی‌توانستند به این جرایم سقراط را دستگیر و اعدام کنند؛ پس به‌ناچار دست‌به‌دامن افتراهایی همچون فاسدکردن جوانان شدند.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۲)

۱۵۷- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

استدلال سقراط در اثبات باور خود به وجود خدا از پذیرش صفات خدا (نیروی مافوق بشر) به پذیرش وجود خدا می‌رسد. بنابراین در این استدلال از معلول به علت می‌رسیم زیرا وجود شی مقدم بر صفات شی است.

در استدلال آکوئیناس از هماهنگی و نظم (معلول) به وجود ناظم (علت) رسیده است. در نتیجه با استدلال سقراط هماهنگ است.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

۱۵۸- گزینهٔ «۲» *(بهواد پاکدل - فاروج)*

سقراط در دفاعیات خودش به اثبات جهان برتر نپرداخت؛ هرچند در مورد مرگ و انتقال به جهان دیگر به‌صورت شرطی و احتمالی (اگر مرگ انتقال به جهان دیگر است ...) صحبت کرد، اما دربارهٔ وجود جهان برتر و اساساً وجود جهانی دیگر به‌صورت قطعی و استدلالی چیزی نگفت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: سقراط در ضمن دفاعیاتش از طریق صفات خدا به اثبات خدا پرداخت.

گزینهٔ «۳»: دفاعیات سقراط همهٔ اصول زندگی او را در بر می‌گرفت.

گزینهٔ «۴»: هر چند سقراط حکم دادگاه را حاصل گرفتار آمدن مخالفانش در چنگال بدی می‌دانست، اما در دادگاه علیه مخالفانش استدلال آورد و از خود دفاع کرد و ضمناً به حکم دادگاه (نوشیدن جام شوکران) گردن نهاد، بنابراین او رسمیت و مشروعیت دادگاه را زیر سؤال نبرد.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۲)

۱۵۹- گزینهٔ «۳» *(بهواد پاکدل - فاروج)*

سقراط می‌گوید: «راز سروش معبد دلفی که به دوستم کرفون گفته بود داناترین مردم سقراط است این بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم و اگر از من به عنوان دانا یاد کرد فقط به این خاطر بود که بگوید داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند» و سقراط زمانی خود را مستحق مجازات و محاکمه می‌دانست که از فرمان خدا سرپیچی کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: درست است که نمایاندن نادانی آدمیان می‌تواند پاسخ درستی باشد و در متن کتاب درسی هم به آن اشاره شده است، اما در مقابل عبارت «کسی که می‌داند هیچ نمی‌داند داناست» ناتمام و ناقص است. علاوه بر این، نتیجهٔ پایانی سخن سقراط عبارت «کسی که می‌داند هیچ نمی‌داند داناست» می‌باشد. ـ قسمت دوم درست است.

گزینهٔ «۲»: هر دو قسمت این گزینه نادرست هستند.

گزینهٔ «۴»: قسمت اول درست است. ـ سقراط زمانی خود را مستحق مجازات و محاکمه می‌دانست که از فرمان خدا سرپیچی کند.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۲)

۱۶۰- گزینهٔ «۴» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

سقراط در دادگاه گفت: «خداوند مرا مأمور کرده است تا در جست‌وجوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم.»

هم‌نشینی با تهی‌دستان و توانگران رسالت سقراط بود، نه مأموریتش.

نکته: به تفاوت رسالت سقراط با مأموریت سقراط توجه داشته باشید.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۸ و ۴۱)

اقتصاد

۱۶۱- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

الف) در سطح قیمت **۴,۰۰۰,۰۰۰** ریال، مقدار تقاضا برابر با **۲۰** کیلو و مقدار عرضه برابر با **۱۰۰** کیلو است. در نتیجه حداکثر درآمد تولیدکننده از فروش **۲۰** کیلو کالا به‌دست می‌آید؛ در نتیجه خواهیم داشت:

حداکثر درآمد تولیدکننده در سطح قیمت **۴,۰۰۰,۰۰۰** ریال

میلیون ریال **۸۰** = ریال **۲۰×۴,۰۰۰,۰۰۰=۸۰,۰۰۰,۰۰۰** =

ب) در سطح قیمت **۳۰۰,۰۰۰** ریال، مقدار تقاضا برابر با **۱۰۰** کیلو و مقدار عرضه برابر با **۲۰** کیلو است. در نتیجه حداکثر میزان پرداختی مصرف‌کنندگان در سطح قیمت **۳۰۰,۰۰۰** ریال برابر با پولی است که برای خرید ۲۰ کیلوی کالای موجود در بازار می‌پردازد؛ در نتیجه خواهیم داشت:

حداکثر پرداختی مصرف‌کنندگان در سطح قیمت **۳۰۰,۰۰۰** ریال

ریال **۲۰×۳۰۰,۰۰۰=۶,۰۰۰,۰۰۰** =

ج) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به‌دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیش‌تری از کالا هستند درحالی‌که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزهٔ کافی ندارند؛ درنتیجه تولید و عرضهٔ آن کم می‌شود. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد. در سطح قیمت **۲,۰۰۰,۰۰۰** ریال، مقدار تقاضا برابر با **۸۰** کیلو و مقدار عرضه برابر با **۴۰** کیلو است. در نتیجه در بازار کمبود عرضه یا مازاد تقاضایی معادل **۴۰** کیلو وجود دارد.

کمبود عرضه یا مازاد تقاضا در سطح قیمت **۲,۰۰۰,۰۰۰** ریال

کیلو **۸۰−۴۰=۴۰** =

د) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیش‌تری هستند، به تولید بیش‌تر می‌پردازند درحالی‌که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایل نشان نمی‌دهند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد. در سطح قیمت **۳,۶۰۰,۰۰۰** ریال، مقدار تقاضا برابر با **۳۰** کیلو و مقدار عرضه برابر با **۹۰** کیلو است. در نتیجه در بازار مازاد عرضه یا کمبود تقاضایی معادل **۶۰** کیلو وجود دارد.

مازاد عرضه یا کمبود تقاضا در سطح قیمت **۳,۶۰۰,۰۰۰** ریال

کیلو **۹۰−۳۰=۶۰** =

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحهٔ ۵۱)

۱۶۲- گزینهٔ «۱» *(کنکور خارج از کشور ۱۴۰۴)*

- در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، (محدودهٔ نقاط **HO**) به دلیل گران بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیش‌تری هستند، به تولید بیش‌تر می‌پردازند درحالی‌که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایل نشان نمی‌دهند و گروهی از تولیدکنندگان برای محصولات خود خریدار پیدا نمی‌کنند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد. در صورت ادامهٔ این روند چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی پایین‌تر به فروش برسانند، در نتیجه، قیمت پایین می‌آید.

- در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، (محدودهٔ نقاط **BC**) مصرف‌کنندگان به‌دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیش‌تری از کالا هستند و تقاضا زیاد است؛ درحالی‌که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزهٔ کافی ندارند؛ درنتیجه تولید و عرضهٔ آن کم می‌شود. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد. در صورت ادامهٔ این روند چون گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد، این گروه برای خرید کالا حاضر خواهند بود مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود.

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۵۱ و ۵۴)

۱۶۳- گزینهٔ «۲» *(کنکور خارج از کشور ۱۴۰۴)*

مالیات بر ارزش‌افزوده:

- منظور از این نوع مالیات، مالیاتی است که از تفاوت بین ارزش کالا و خدمات عرضه شده با ارزش کالا و خدمات خریداری شده در دوره‌ای مشخص گرفته می‌شود.

- این نوع از مالیات، چندمرحله‌ای است و در هر یک از مراحل تولید و تکمیل تا مصرف نهایی برحسب ارزش‌افزوده گرفته می‌شود.

- مالیات بر ارزش‌افزوده با ایجاد شفافیت، فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد و از مالیات‌ستانی مضاعف جلوگیری می‌کند، چرا که مالیات پرداخت‌شدهٔ تولیدکنندگان قبلی از مالیات بر فروش بعدی کسر می‌شود. در این نوع از مالیات، کالا و خدمات واسطه‌ای از پرداخت مالیات معاف می‌شوند.

- در کشورهایی که سازوکار مالیات بر ارزش‌افزوده برقرار است، کسب‌وکارها، منبع مالیات را از فروش خودشان جمع‌آوری و آن را از طریق خرید از دیگر کسب‌وکارها، پرداخت می‌کنند.

نکته:

مجموع مالیات بر ارزش افزودهٔ جمع‌آوری شده

= مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحلهٔ آخر

= نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده × قیمت کالا در مرحلهٔ آخر

توجه: عبارت گزینهٔ «۲» مربوط به یکی از ویژگی‌های مالیات بر مصرف است.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحهٔ ۶۳)

۱۶۴- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

الف) برای محاسبهٔ مجموع مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری شده، کافی است میزان مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحلهٔ آخر را به‌دست آورده:

مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحلهٔ چهارم

$$= ۲۰,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۲,۰۰۰ \text{ واحد پولی}$$

ب)

اعتبار مالیات بر ارزش افزوده‌هایی که در مرحلهٔ قبل از مرحلهٔ چهارم پرداخت شده است

مالیات بر ارزش افزودهٔ جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحلهٔ قبل (مرحلهٔ سوم) =

$$= ۱۸,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۱,۸۰۰ \text{ واحد پولی}$$

ج)

مالیات بر ارزش‌افزودهٔ خالص جمع‌آوری شده در مرحلهٔ سوم

نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده × (قیمت کالا در مرحلهٔ دوم - قیمت کالا در مرحلهٔ سوم)

$$= (۱۵,۰۰۰ - ۱۰,۰۰۰) \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۵۰۰ \text{ واحد پولی}$$

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحهٔ ۶۳)

۱۶۵- گزینهٔ «۳» *(آفرین ساجدی)*

الف)

درآمد سالیانهٔ کارگاه =

قیمت هر واحد از محصول × تعداد محصول تولید و فروخته شده

$$= ۲۷,۰۰۰ \times ۹۸,۰۰۰ = ۲,۶۴۶,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

$$\text{هزینه‌های سالیانهٔ کارگاه} = ۷۲,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۲ = ۸۶۴,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

سود سالیانهٔ کارگاه = درآمد سالیانهٔ کارگاه − هزینه‌های سالیانهٔ کارگاه

$$= ۲,۶۴۶,۰۰۰,۰۰۰ - ۸۶۴,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۷۸۲,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

مالیات سالیانهٔ کارگاه = سود سالیانهٔ کارگاه × $\frac{۲۰}{۱۰۰}$

$$= ۱,۷۸۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲۰}{۱۰۰} = ۳۵۶,۴۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

مالیات ماهانهٔ کارگاه $= ۳۵۶,۴۰۰,۰۰۰ \div ۱۲ = ۲۹,۷۰۰,۰۰۰$ تومان

ب)

مالیات سالیانهٔ کارگاه − سود سالیانهٔ کارگاه = مانده خالص سالیانهٔ کارگاه

$$= ۱,۷۸۲,۰۰۰,۰۰۰ - ۳۵۶,۴۰۰,۰۰۰ = ۱,۴۲۵,۶۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸ و ۶۸)

۱۶۶- گزینهٔ «۴» *(محمدحسین متولی)*

الف) «مالیات بر ارزش‌افزوده»، با ایجاد شفافیت، فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد.

ب) «تعرفه‌های گمرکی» تابع سیاست‌های کلان بازرگانی و شرایط اقتصادی کشورها هستند.

ج) «مالیات بر مصرف» نهایتاً به‌وسیلهٔ مصرف‌کنندهٔ نهایی پرداخت می‌شود.

د) اساس و مبنای «مالیات بر دارایی» ثروت مؤدی است.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۶۷- گزینهٔ «۴» *(نسرین جعفری)*

الف) کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (علت کاهش تقاضا این است که مصرف‌کنندگان با افزایش درآمدشان به جای مصرف آن کالا روی به مصرف کالاهایی می‌آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند.) با فرض ثابت بودن قیمت کالا، تقاضا برای کالای پست به صورت معکوس با درآمد ارتباط دارد. افزایش در درآمد سبب کاهش در مقدار تقاضای کالای پست در هر قیمت می‌شود.

سویا کالایی پست است و با افزایش درآمد، مردم خرید آن را کاهش می‌دهند.

ب) کالاهای مکمل، کالاهایی هستند که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. مثل: «برق» و «فر برقی»، افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش میزان تقاضا برای کالای مکملش خواهد شد و برعکس.

به عنوان مثال افزایش قیمت برق باعث کاهش تقاضا برای فر برقی خواهد شد.

کالاهای جانشین: کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می‌شوند. اگر قیمت یک کالا افزایش می‌یابد، تقاضا برای آن کاهش و تقاضا برای کالای جانشینش افزایش می‌یابد. برعکس زمانی که قیمت یک کالا کاهش می‌یابد، تقاضا برای آن افزایش و تقاضا برای کالای جانشینش کاهش می‌یابد. کالاهای جانشین مانند: گوشت سفید و قرمز.

به عنوان مثال: افزایش قیمت گوشت مرغ باعث کاهش تقاضا برای آن و افزایش تقاضا برای گوشت قرمز خواهد شد.

پ) ابداعات و اختراعات معمولاً با کاهش هزینه‌ها اثر مثبتی بر مقدار تولید و عرضه دارند.

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۱)

۱۶۸- گزینهٔ «۲» *(آفرین ساجدی)*

گاه به دلایل طبیعی، اقتصادی، قانونی یا حتی غیرقانونی، تعداد فروشنده یا خریدار به یک یا چند نفر محدود می‌شود. این وضعیت را «انحصار» می‌گوییم.

شرکت‌های خودرویی مانند شرکت ایران خودرو در کشور ما، به دلایل قانونی، انحصارگر در فروش کالای خود به‌شمار می‌روند. انحصارگر در بازار انحصاری، قیمت‌گذار است و خریداران در بازار انحصاری، قیمت‌پذیرند.

بنابراین در اینجا شرکت ایران خودرو که فروشنده است، تعیین‌کنندهٔ قیمت می‌باشد.

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۱۶۹- گزینهٔ «۱» *(احسان عالی‌نژاد)*

A = پرداخت‌های عوامل تولید / B = درآمد خانوار / C = خرید / D = درآمد

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)

۱۷۰- گزینهٔ «۱» *(زهرا محمدی)*

الف) بهبود عملکرد بازار

ب) ارائهٔ کالای عمومی

ج) بهبود عملکرد بازار

د) بهبود عملکرد بازار

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه‌های ۵۶ تا ۵۸)

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

☑ دفترچهٔ پاسخ

عمومی دوازدهم

رشتهٔ انسانی

۳۰ آبان ماه ۱۴۰۴

طراحان به ترتیب حروف الفبا

فارسی	حسین پرهیزگار، نازنین‌فاطمه حاجیلو، ملیکا ذاکری، محسن فدایی، الهام محمدی
دین و زندگی	محمد رضایی‌بقا، محمدمهدی مانده‌علی، مرتضی محسنی‌کبیر، میثم هاشمی
زبان انگلیسی	رحمت‌اله استیری، ایمان حسن‌پور، بیتا قربان‌پور، سعید کاویانی، عقیل محمدی‌روش

گزینشگران و ویراستاران به ترتیب حروف الفبا

نام درس	مسئول درس	گزینشگر	گروه ویراستاری	مسئول درس‌های مستندسازی
فارسی	نازنین‌فاطمه حاجیلو	نازنین‌فاطمه حاجیلو	مرتضی منشاری	فریبا رئوفی، الناز معتمدی، مهدی یعقوبیان، محسن جمشیدی
دین و زندگی	محمدمهدی مانده‌علی	محمدمهدی مانده‌علی	امیرمهدی افشار سکینه گلشنی	سجاد حقیقی‌پور، مجتبی رضازاده، علی ابراهیمی آرانی
اقلیت‌های مذهبی	دبورا حاتانیان	دبورا حاتانیان	معصومه شاعری	—
زبان انگلیسی	رحمت‌اله استیری	رحمت‌اله استیری	طاها اصغریان، محدثه مرآتی، فاطمه نقدی	سپهر اشتیاقی، علیرضا رمضان‌زاده

مدیر گروه	الهام محمدی
مسئول دفترچه	معصومه شاعری
مستندسازی و مطابقت با مصوبات	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: فریبا رئوفی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا	زهرا تاجیک
ناظر چاپ	سوران نعیمی

گروه آزمون

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

آدرس دفتر مرکزی: خیابان انقلاب- بین صبا و فلسطین- پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی: ۶۴۶۳-۰۲۱

فارسی ۳

۲۰۱- گزینهٔ «۱» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

فرض در این عبارت، به معنی «لازم، ضروری، آن‌چه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.» است.

(لغت، واژه‌نامه)

۲۰۲- گزینهٔ «۴» *(حسین پرهیزگار- سبزوار)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: فراغ ← فراق

گزینهٔ «۲»: مسطور ← مستور

گزینهٔ «۳»: اصرار ← اسرار

(املا، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۲۰۳- گزینهٔ «۲» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

«ماند» در بیت صورت سؤال، در معنای«شد، گردید و ...» به‌کار رفته است، بنابراین فعلی اسنادی محسوب می‌شود؛ پس جواب درست، گزینه‌ای است که هر دو فعل موجود در آن، اسنادی باشند.

گزینهٔ «۲»: در هر دو مصراع فعل «شدم» اسنادی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: «برید» و «درید»، دو فعل این گزینه هستند که هر دو غیراسنادی‌اند.

گزینهٔ «۳»: «نیست» اول، اسنادی است؛ «نیست» دوم، غیراسنادی است و به معنی «وجود ندارد» به‌کار رفته است.

گزینهٔ «۴»: «نشد» فعل اول است که اسنادی است؛ فعل دوم، «دارد» است که غیراسنادی است.

(دستور، صفحه‌های ۴۸، ۴۹ و ۵۲)

۲۰۴- گزینهٔ «۱» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

نخست، باید جملهٔ هسته را بیابیم: آن را عشق خوانند (جملهٔ هسته)، چون = هنگامی‌که (پیوند وابسته‌ساز) محبت به غایت برسد (جملهٔ وابسته). پس، باید ساختار جملهٔ «آن را عشق خوانند» را بیابیم که به این شکل می‌شود: «آن‌ها (نهاد پنهان)، آن را (مفعول و نشانهٔ مفعول) عشق (مسند) می‌خوانند (فعل اسنادی): نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل».

از بین گزینه‌ها، فقط گزینهٔ «۱» است که چنین ساختاری دارد.

گزینهٔ «۱»: آتش عشق (نهاد) او را (مفعول و نشانهٔ مفعول) چنان (مسند) گرداند (فعل اسنادی): نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: مردم (نهاد) به او (حرف اضافه و متمم) دهقان فداکار (مسند) می‌گفتند (فعل اسنادی): نهاد + متمم + مسند + فعل

گزینهٔ «۳»: عشق (نهاد) بنده را (مفعول و نشانهٔ مفعول) به خدا (حرف اضافه و متمم) برساند (فعل غیر اسنادی)

گزینهٔ «۴»: پروانه (نهاد) قوت (مفعول) از عشق آتش (حرف اضافه و متمم) خورد (فعل غیر اسنادی)

(دستور، صفحه‌های ۵۴، ۵۵ و ۵۷)

۲۰۵- گزینهٔ «۳» *(محسن فدایی - شیراز)*

ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴»، فاقد «اسلوب معادله» هستند، زیرا ویژگی‌های اسلوب‌معادله را ندارند؛ ولی در بیت گزینهٔ «۳»، «اسلوب معادله» وجود دارد چون ویژگی‌های «اسلوب معادله» را دارد.

ویژگی‌های اسلوب معادله: ۱) هر دو مصراع، یک مفهوم را بیان می‌کنند./ ۲) معنای هر مصراع، مستقل و جداگانه است و فهم هر یک، می‌تواند بی‌نیاز از دیگری انجام شود./ ۳) دو مصراع را می‌توان جابه‌جا کرد و اشکالی در معنا پدید نیاید. / ۴) یک مصراع، مثال و مصداقی است برای مصراع اول. / ۵) بین دو مصراع، می‌توان «همان‌طورکه» قرار داد. ۶) هر مصراع از نظر دستوری مستقل است.

(آرایه، صفحهٔ ۵۱)

۲۰۶- گزینهٔ «۳» *(ملیکا ذاکری)*

در گزینهٔ «۳»، واژه‌های «جمال و کمال» سجع هستند و هم‌چنین میان «حسن، جمال و کمال» مراعات نظیر وجود دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: فقط تشبیه دارد: انسان (مشبه)، شمع (مشبه‌به)، چون (ادات تشبیه)، صبر بر داغ‌دیدگی (وجه شبه)

گزینهٔ «۲»: فقط استعاره دارد: رگ جان (جان چون انسانی فرض شده که رگ دارد.)

گزینهٔ «۴»: فقط تشخیص وجود دارد: عاشق بودن پروانه

(آرایه، صفحه‌های ۵۵، ۵۴ و ۵۸)

۲۰۷- گزینهٔ «۲» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

صورت کامل ابیات، به شرح زیر است:

ای جویبار جاری! زین سایهٔ برگ مگریز/ کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران

گفتی: «به روزگاران، مهری نشسته» گفتم:/ «بیرون نمی‌توان کرد، حتی به روزگاران»

نکتهٔ مهم درسی:

بیت «سعدی به روزگاران، مهری نشسته در دل/ بیرون نمی‌توان کرد، الّا به روزگاران» از سعدی است که شفیعی‌کدکنی، مصراع دوم را در شعر خود با تغییر کوچکی (تبدیل «الّا» به «حتی») تضمین کرده است.

(شعر حفظی، صفحهٔ ۵۹)

۲۰۸- گزینهٔ «۴» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

در بیت صورت سؤال، شکایت نی از «جدایی و دورماندگی از معشوق» است.

در گزینهٔ «۴»، نیز، نفیر و صدای زاری و ناله، به علت همین جدایی و بریده‌شدن از یار است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: تأکید شکایت و ابراز رنج، از سختی‌های راه عشق است.

گزینهٔ «۲»: شکایت و خستگی، از پیدا نکردن هم‌زبان و کسی است که حال عاشق را بفهمد.

گزینهٔ «۳»: مصراع اول، از اشتیاق بی‌پایان عاشق حکایت می‌کند و مصراع دوم، از به هدر رفتن زندگی کسانی که از عشق محروم مانده و به آن دست نیافته‌اند.

(مفهوم، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۲۰۹- گزینهٔ «۳» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

هر دو عبارت به این مفهوم اشاره دارند که هنگام قرب و ادراک شهودی خداوند، انسان از خود بی‌خود می‌شود و دیگر نه خود و نه دیگران را به یاد می‌آورد؛ بلکه یکسره در وجود بی‌پایان خداوند، غرق و فنا می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: تقابل عشق و عقل (عشق، ازبین‌برندهٔ عقل و اندیشه است.)

گزینهٔ «۲»: تأثیر خوب گوش‌دادن، بر خوب سخن‌گفتن گوینده

گزینهٔ «۴»: برآورده‌شدن حاجات به حرمت توسل به بزرگان مُقرّب به حق

(مفهوم، صفحهٔ ۵۳)

۲۱۰- گزینهٔ «۴» *(الهام معمری)*

مفهوم عبارت گزینهٔ «۴»، ترکِ خود است؛ یعنی، سالک در مسیر عشق، خود، خواسته‌ها و نیازهایش را نادیده انگارد و به آن‌ها بی‌اعتنا باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: اشتیاق و خیال عشق، از دانایی و خرد جهان ارزشمندتر است و ارزش دیوانگی عشق از همهٔ عقل‌ها بیشتر است که بیانگر آن است عشق بر عقل برتری دارد و این دیدگاه تقابل بین عقل و عشق را نشان می‌دهد.

گزینهٔ «۲»: عشق مانند آتش (فراگیر) است، در هر جایی که فرود آید، چیز دیگری جز آن نمی‌تواند ساکن شود.

گزینهٔ «۳»: برای رسیدن به عشق که بالاترین مرحله است، باید از دو مرحلهٔ معرفت و محبت گذر کرد.

(مفهوم، صفحه‌های ۵۴ و ۵۵)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

دین و زندگی (۳)

۲۱۱- گزینهٔ «۲» *(میثم هاشمی)*

اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

(درس ۵، صفحهٔ ۵۵)

۲۱۲- گزینهٔ «۱» *(میثم هاشمی)*

کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. مولوی این حقیقت را در بیت گزینهٔ «۱» بیان کرده است، اما سایر گزینه‌ها به شواهد اختیار اشاره دارد.

(درس ۵، صفحهٔ ۵۵)

۲۱۳- گزینهٔ «۴» *(میثم هاشمی)*

«قدر» به معنای «اندازه» است و «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن». «قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.

(درس ۵، صفحهٔ ۵۸)

۲۱۴- گزینهٔ «۳» *(مرتضی محسنی کبیر)*

وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از ارادهٔ الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد (قضای الهی).

سلسله علت‌ها در این حالت در یک ردیف و مستقل نیستند، بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبهٔ پایین وابسته به علت مرتبهٔ بالایی است، یعنی از نوع وابستگی به عامل بالاتر است.

(درس ۵، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۱۵- گزینهٔ «۱» *(محمدمهدی مانده‌علی)*

این که هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم و به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم، به «مسئولیت‌پذیری» از شواهد وجود اختیار اشاره دارد.

این که گاهی دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم، به «تفکر و تصمیم» از جمله شواهد اختیار اشاره دارد.

اینکه هرگاه در کاری موفق می‌شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرامی‌گیرد، به «احساس رضایت یا پشیمانی» از دیگر شواهد وجود اختیار در انسان مربوط می‌شود.

(درس ۵، صفحهٔ ۵۶)

۲۱۶- گزینهٔ «۱» *(میثم هاشمی)*

گاه در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام، احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته‌ام.

دو بیت زیر به همین مفهوم اشاره دارند:

«گر نبودی اختیار این شرم چیست؟/ این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟

وان پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی»

(درس ۵، صفحهٔ ۵۶)

۲۱۷- گزینهٔ «۲» *(محمد رضایی‌بقا)*

گرچه در همهٔ مراحل زندگی قضا و قدر الهی وجود دارد، اما ارادهٔ انسان نیز در انتخاب قدرها و قضاها نقش دارد و وقتی مردی در بازگشت از جنگ صفین از امام علی (ع) پرسید: «رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروز نیز گاه مشاهده می‌شود. امام (ع) فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با ارادهٔ خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به ارادهٔ خویش در آن جا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به ارادهٔ خود بازگشتید و در هیچ یک از این مراحل مجبور نبودید.» سپس امام به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید، از این که گفتم رفتنتان بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»

(درس ۵، صفحه‌های ۶۱ و ۶۲)

۲۱۸- گزینهٔ «۱» *(محمدمهدی مانده‌علی)*

آیهٔ شریفهٔ «ذلک بما قدمت ایدیکم و ان الله لیس بظلام للعبید: این [عقوبت]، به‌خاطر کردار پیشین شماست [و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.» به مسئولیت‌پذیری از شواهد وجود اختیار در انسان اشاره دارد، که با بیت «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ور نیایی من دهم بد را سزا» ارتباط مفهومی دارد.

(درس ۵، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۲۱۹- گزینهٔ «۳» *(مرتضی محسنی کبیر)*

امیرالمؤمنین با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. در واقع قانونمندی جهان زمینه‌ساز شکوفایی اختیار است.

(درس ۵، صفحه‌های ۵۷ و ۵۹)

۲۲۰- گزینهٔ «۲» *(مرتضی محسنی کبیر)*

سخن امیرالمؤمنین علی (ع) بدین معناست که از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌بریم. در واقع، فروریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است، اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند. دقت کنیم که در گزینهٔ «۱»، بخش اول گزینه صحیح ولی بخش دوم غلط است.

(درس ۵، صفحهٔ ۵۹)

ایران نوشت
توشه‌ای برای موفقیت

زبان انگلیسی ۳

۲۲۱- گزینهٔ «۲» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «گمان می‌کنم اگر او پاسخ نداده است، می‌توانید دوباره با او تماس بگیرید.»

۱) تعجب کردن، از خود پرسیدن ۲) فرض کردن، گمان کردن

۳) محافظت کردن ۴) خلق کردن

(واژگان)

۲۲۲- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «این کتاب درسی برای دانش‌آموزان سطح متوسط که اصول اولیه را می‌دانند، عالی است.»

۱) متوسط ۲) امیدوار، امیدوارکننده

۳) مناسب ۴) گران

(واژگان)

۲۲۳- گزینهٔ «۴» *(بیتا قربان‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «قبل از نوشتن گزارش نهایی‌ام باید تمام داده‌های تحقیق را گردآوری کنم.»

۱) حمل کردن، به همراه داشتن ۲) نصب کردن

۳) متنفر بودن ۴) گردآوری کردن

(واژگان)

۲۲۴- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «می‌توانید یک رستوران خوب که غذای گیاهی نزدیک اینجا سرو می‌کند، معرفی کنید؟»

۱) توصیه کردن، معرفی کردن ۲) در نظر گرفتن

۳) تجربه کردن ۴) ترجمه کردن

(واژگان)

۲۲۵- گزینهٔ «۳» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «ما امیدواریم که یک راه‌حل مسالمت‌آمیز برای اختلاف نظر بین هر دو طرف وجود داشته باشد.»

۱) خارجی ۲) پیشرفته

۳) مسالمت‌آمیز ۴) دوزبانه

(واژگان)

۲۲۶- گزینهٔ «۲» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «او مسئولیت کامل اشتباه را بر عهده گرفت و از کل گروه عذرخواهی کرد.»

۱) میراث ۲) مسئولیت

۳) دستورالعمل، راهنما ۴) موقعیت

(واژگان)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

مؤسسهٔ خیریه سازمانی است که به منظور منفعت‌رسانی به عموم مردم فعالیت می‌کند. آن‌ها را می‌توان به دو شکل اصلی طبقه‌بندی کرد: مؤسسات خیریهٔ عمومی و بنیادهای خصوصی. قطعاً قبلاً نام بنیادها و خیریه‌ها را شنیده‌اید و شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. نکتهٔ اصلی تفاوت آن‌ها در نحوهٔ جمع‌آوری وجوه برای اهدافشان نهفته است. همچنین در نحوهٔ عملکرد این دو، تفاوت وجود دارد. بنیادهای خصوصی تمایل دارند به افرادی که برخی از استانداردهای تعیین‌شده توسط بنیاد را رعایت می‌کنند کمک‌های مالی اعطا کنند. از سوی دیگر، مؤسسات خیریه تمایل بیشتری به اقداماتی مانند تهیهٔ غذاهای پخته یا سرگرمی برای افراد مسن دارند. با این حال، تفاوت اصلی بین آن‌ها در نحوهٔ جمع‌آوری وجوه نهفته است.

بنیادهای خصوصی اغلب وجوه خود را از یک منبع کلیدی جمع‌آوری می‌کنند، برای مثال، یک خیّر ثروتمند. این منبع درآمد ممکن است یک خانوادهٔ ثروتمند باشد که به هدف اعتقاد دارد یا شرکتی که می‌خواهد چیزی را اهدا کند. به این ترتیب، وجوه یک بنیاد خصوصی کنترل می‌شود، زیرا به منبع اصلی درآمد وابسته است.

مؤسسات خیریهٔ عمومی به یک منبع درآمد متکی نیستند. در عوض، آن‌ها به کمک‌های مردمی یا کمک‌های مالی دولتی وابسته هستند. شاید متوجه شده باشید که چگونه برخی از بیمارستان‌ها و کلیساها به عنوان خیریه ثبت می‌شوند. این سازمان‌ها به درآمد از منابع متعددی متکی هستند، که به آن‌ها موقعیت خود را به‌عنوان یک موسسهٔ خیریهٔ «عمومی» می‌دهد. در نتیجه، یکی از ویژگی‌های متمایز مؤسسات خیریهٔ عمومی وابستگی آن‌ها به کمک‌های مکرر مردم است.

۲۲۷- گزینهٔ «۳» *(سعید کاویانی)*

ترجمهٔ جمله: «هدف اصلی این متن چیست؟»

«مقایسهٔ مؤسسات خیریهٔ عمومی با بنیادهای خصوصی»

(درک مطلب)

۲۲۸- گزینهٔ «۲» *(سعید کاویانی)*

ترجمهٔ جمله: «کلمهٔ "benefactor" در پاراگراف «۲» نزدیک‌ترین معنا را به ... دارد.»

«"donor" (اهدا کننده)»

(درک مطلب)

۲۲۹- گزینهٔ «۴» *(سعید کاویانی)*

ترجمهٔ جمله: «متن اظهار دارد که یک مؤسسهٔ خیریهٔ عمومی ... بستگی دارد.»

«به کمک‌های مردمی یا دولتی»

(درک مطلب)

۲۳۰- گزینهٔ «۱» *(سعید کاویانی)*

ترجمهٔ جمله: «کدام‌یک از جملات زیر در مورد مؤسسات خیریه درست نیست؟»

«بنیادهای خصوصی و مؤسسات خیریهٔ عمومی هیچ شباهتی ندارند.»

(درک مطلب)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۲۳۱- گزینهٔ «۳» *(ایمان حسن‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «یافته‌های زیادی توسط تیم تحقیقاتی برای رویداد سالانهٔ پیش‌رو منتشر شده است.»

نکتهٔ مهم درسی:

اسم "findings" به صورت جمع است، بنابراین باید از فعل مطابق با آن استفاده کرد (رد گزینهٔ «۲»). با توجه به رابطهٔ مفعول با جای‌خالی، به ساختار مجهول نیاز داریم (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).

(گرامر، برگرفته از سؤال ۹ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴، صفحهٔ ۲۹ کتاب درسی)

۲۳۲- گزینهٔ «۴» *(ایمان حسن‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «به سرباز زخمی دستور داده شد که به خانه برگردد، مگر نه؟»

نکتهٔ مهم درسی:

هرگاه جمله مثبت باشد، جملهٔ ضمیمه منفی می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). با توجه به فعل جمله که مجهول می‌باشد، در سؤال ضمیمه باید فعل کمکی مورد استفاده در فعل مجهول به‌کار گرفته شود (رد گزینه «۱»).

(گرامر، برگرفته از سؤال ۹ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴، صفحه ۳۱ کتاب درسی)

۲۳۳- گزینهٔ «۳» *(ایمان حسن‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «دانش‌آموزان می‌توانند انشاهایشان را همین الان تحویل دهند یا فردا از طریق ایمیل ارسال کنند.»

نکتهٔ مهم درسی:

با توجه به مفهوم جمله تنها از "or" در جای‌خالی می‌توان استفاده کرد (رد سایر گزینه‌ها).

(رایتینگ، برگرفته از سؤال ۱۶ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۹ کتاب درسی)

۲۳۴- گزینهٔ «۳» *(ایمان حسن‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «گری پس از سال‌ها زندگی در خارج از کشور، وقتی به وطنش بازگشت متوجه شد که حس تعلق خاطرش را از دست داده است.»

۱) لمس ۲) موفقیت

۳) تعلق ۴) فرهنگ

نکتهٔ مهم درسی:

به ترکیب واژگانی "sense of belonging" به معنای «حس تعلق» توجه کنید.

(واژگان، برگرفته از سؤال ۷ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴، صفحهٔ ۴۱ کتاب درسی)

۲۳۵- گزینهٔ «۱» *(ایمان حسن‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «تیم راه‌های زیادی برای رسیدگی به این مسئله داشت، اما آن‌ها وقت‌گیرترین راه را ترجیح دادند.»

۱) ترجیح دادن ۲) گردآوری کردن، جمع شدن

۳) دعوت کردن ۴) تولید کردن

(واژگان، برگرفته از سؤال ۷ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴، صفحهٔ ۳۳ کتاب درسی)

۲۳۶- گزینهٔ «۴» *(ایمان حسن‌پور)*

ترجمهٔ جمله: «از این‌که فهمیدم اصول رابرت تنها در مدت زمان کوتاهی چقدر متفاوت شده بود، شگفت‌زده شدم.»

۱) شعر ۲) مترادف

۳) هویت ۴) اصل، قاعده

(واژگان، برگرفته از سؤال ۷ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴، صفحهٔ ۴۱ کتاب درسی)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

تغییرات اقتصادی و اجتماعی در چند دههٔ گذشته، خانوادهٔ اروپایی را تغییر داده است. چیزی که زمانی عادی بود - دو والد، پدر شاغل، مادر خانه دار، وضعیت مالی ثابت - اکنون استثنایی است. امروزه نیمی از ازدواج‌ها به شکست ختم می‌شود و حدود نیمی از همهٔ فرزندان چندین سال را در یک خانوادهٔ تک‌والدی سپری می‌کنند. برخی از مادران دیگر هرگز ازدواج نمی‌کنند، برخی از والدین در اثر مرگ، زن یا شوهر خود را از دست می‌دهند و برخی از زنان و مردان مجرد بچه‌هایی را به فرزندی قبول می‌کنند؛ یعنی تصمیم می‌گیرند بچه‌های دیگران را بزرگ کنند.

تعداد مادران مجرد بیشتر از پدران مجرد است. یک خانوادهٔ تک‌والدی در معرض خطر بیشتری برای پیامدهای منفی مانند کاهش درآمد، فقر و مشکلات رفتاری است. اکثر تک‌والدها انجام تمام وظایف مالی خود را دشوار می‌دانند. کاهش درآمد ممکن است آن‌ها را مجبور کند که خانواده را به خانه‌ای ارزان‌تر در محله‌ای دیگر منتقل کنند، بچه‌ها را از مدرسه‌ای به مدرسهٔ دیگر منتقل کنند و پول کمتری برای خرید کالا خرج کنند.

در حالی‌که فشارها بر خانوادهٔ تک‌والدی بسیار زیاد است، مشکلات همیشه پیش نمی‌آید. اگر یک مادر تک‌والد بتواند وظایف مختلف مراقبت از فرزندانش و خودش را مدیریت کند، خانوادهٔ او نه تنها دوام خواهند آورد، بلکه پیشرفت زیادی نیز خواهند داشت.

۲۳۷- گزینهٔ «۴» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «ایدهٔ اصلی پاراگراف اول چیست؟»

«تغییر در ساختار خانوادهٔ اروپایی»

(درک مطلب)

۲۳۸- گزینهٔ «۴» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «طبق متن، در گذشته یک خانوادهٔ معمولی اروپایی ... .»

«دو والد داشت»

(درک مطلب)

۲۳۹- گزینهٔ «۳» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «کلمهٔ "them" که در پاراگراف «۲» زیر آن خط کشیده شده است به "single parents" (تک‌والدها) اشاره دارد.»

(درک مطلب)

۲۴۰- گزینهٔ «۲» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «بر اساس متن، یک تک‌والد ممکن است فرزندش را از مدرسه‌ای به مدرسهٔ دیگر منتقل کند وقتی که ... .»

«آن‌ها مشکلات مالی دارند»

(درک مطلب)

ایران توشه — توشه‌ات برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی

دفترچه پاسخ

آزمون هوش و استعداد

(دورهٔ دوم)

۳۰ آبان

تعداد کل سؤالات آزمون: ۲۰

زمان پاسخ‌گویی: ۳۰ دقیقه

گروه تولید

مسئول آزمون	حمید لنجان‌زاده اصفهانی
مسئول دفترچه	حامد کریمی
ویراستار	آرین غلامی
طراحان	حمید اصفهانی، فاطمه راسخ، حمید گنجی، حامد کریمی، امیرحسین افجه، امیرعلی حسینی‌زاده، فرزاد شیرمحمدلی
حروف‌چینی و صفحه‌آرایی	معصومه روحانیان
ناظر چاپ	حمید عباسی

مدیر گروه مستندسازی	محیا اصغری
مسئول درس مستندسازی	علیرضا همایون‌خواه
ویراستار مستندسازی	ستایش یاوری

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

استعدادتحلیلی

۲۵۱- گزینهٔ «۴» *(حامد کریمی)*

شکل درست عبارت:

لذا تصریح هدف یادگیری، چه برای یاددهنده و چه برای یادگیرنده، از اوّلین گام‌هایی است که باید لحاظ شود، زیرا سبک یادگیری متأثر است از این تقریب ذهنی.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۲- گزینهٔ «۱» *(حامد کریمی)*

ادامه‌ی متن باید در ردّ آموزشی باشد که تنها به انتقال محدود اطّلاعات بسنده می‌کند. چنین عبارتی در گزینه‌ی «۱» هست.

(استدلال، هوش کلامی)

۲۵۳- گزینهٔ «۲» *(حامد کریمی)*

قسمت نخست متن از تأثیرگذاری محیط در آموزش می‌گوید و قسمت دوم متن از نمونه کارهای مفید و مهم آموزشی که در محیط رخ می‌دهد.

(استدلال، هوش کلامی)

۲۵۴- گزینهٔ «۳» *(حمید اصفهانی)*

متن باید با عبارتی ادامه پیدا کند که با جملهٔ «محقّقان احتمال می‌دهند این اثر ناشی از ارسال پیام نادرست از سوی روده باشد» نوعی تضاد دارد. این تضاد تنها در گزینه‌ی «۳» هست.

(استدلال، هوش کلامی)

۲۵۵- گزینهٔ «۲» *(حامد کریمی)*

شکل درست ابیات:

د) داد معشوقه به عاشق پیغام / که کند مادر تو با من جنگ

ج) هرکجا بینمدم از دور کند / چهره پرچین و جبین پر آژنگ

ب) گر تو خواهی به وصالم برسی / باید این ساعت، بی‌خوف و درَنگ

هـ) روی و سینهٔ تنگش بدری / دل برون آری از آن سینهٔ تنگ

و) رفت و مادر را افکند به خاک / سینه بدرید و دل آورد به چنگ

ط) از قضا خورد دم در به زمین / و اندکی سوده شد او را آرَنگ

الف) وان دل گرم که جان داشت هنوز / اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ

ح) دید کز آن دل آغشته به خون / آید آهسته برون این آهنگ

ز) آه دست پسرم یافت خراش / آخ پای پسرم خورد به سنگ

(ترتیب جملات، هوش کلامی)

۲۵۶- گزینهٔ «۴» *(حامد کریمی)*

کلمات همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی «۴» از بن ماضی و بن مضارع یک مصدر ساخته شده است، در حالی که در گزینه‌ی «۴» هر دو کلمه از بن مضارع است:

شنوا: شنو + ا / شنیداری: شنید + ار + ی

بینایی: بین + ا (+ی) + ی / دیدار: دید + ار

رونده: رو + نده / رفتار: رفت + ار

پرستنده: پرست + نده / پرستار: پرست + ار

(ساختمان واژه‌ها، هوش کلامی)

۲۵۷- گزینهٔ «۲» *(کتاب منظومه‌ی هوش)*

یوزپلنگ‌ها همه پستاندارند. بنابراین، هیچ غیرپستانداری نیست که غیریوزپلنگ نباشد. همچنین دیگر انواع پستانداران، غیریوزپلنگ هستند ولی غیرپستاندار نیستند.

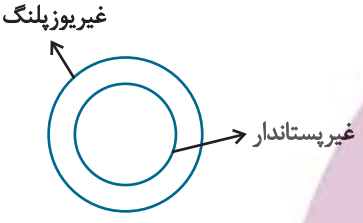

(انساب اربعه، هوش کلامی)

۲۵۸- گزینهٔ «۲» *(امیرحسین افجه)*

سن علی را A و سن دخترش را D می‌نامیم، داریم:

$$\begin{cases} A = ۳D \\ A+۱۵ = ۲(D+۱۵) \Rightarrow A = ۲D+۱۵ \end{cases}$$

$$\Rightarrow ۳D = ۲D+۱۵ \Rightarrow D = ۱۵ \, , \, A = ۴۵$$

الف) $D+۴۰ = ۵۵$ ب) $A+۱۵ = ۶۰ \Leftarrow$ الف < ب

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۵۹- گزینهٔ «۱» *(امیرحسین افجه)*

سن رضا را R و سن برادر را B می‌گیریم. داریم:

$$\begin{cases} R = ۴۷-B \\ (R-۴) = ۲(B-۴) \Rightarrow R = ۲B-۴ \end{cases}$$

$$\Rightarrow ۴۷-B = ۲B-۴ \Rightarrow ۳B = ۵۱ \Rightarrow B = ۱۷ \, , \, R = ۳۰$$

الف) $B \times ۴ = ۶۸$ ب) $R+۲۲ = ۵۲ \Leftarrow$ الف < ب

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۶۰- گزینهٔ «۲» *(امیرحسین اخیه)*

اگر از پانزدهم فروردین در زمین ۲۱۷ روز بگذرد، به روز شانزدهم آبان می‌رسیم:

اردیبهشت تا شهریور — آبان

$$۱۶+۳۰+(۵\times۳۱)+۱۶=۲۱۷$$

فروردین — مهر

دویست و هفده روز بعد از پانزدهم فروردین در سیارهٔ «خ»، یعنی ده ماه و هفده روز بعد:

$$۲۱۷=۱۰\times۲۰+۱۷$$

دقت کنید ماه‌ها بیست روزه است، پس ده ماه و هفده روز بعد از پانزده روز، یعنی هفده روز بعد از پانزدهم بهمن، معادلِ دوازدهم اسفند است.

همچنین ۲۱۷ روز، در مقیاس پنج روز یک‌بار، یعنی در هفته دو روز جلوتر از سه‌شنبه خواهیم بود، یعنی شنبه: $۲۱۷=(۴۳\times۵)+۲$

- شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و شنبه و یک‌شنبه ...

(تقویم، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۱- گزینهٔ «۲» *(حمید اصفهانی)*

۵ ساعت قبل از ساعت ۱۱ فردا، ساعت ۶ صبح فردا است:

$$۱۱-۵=۶$$

زمان را به عقب برمی‌گردیم:

۶ صبح امروز ← (۲۴ ساعت) ۶ صبح فردا

۵ عصر دیروز ← (۷ ساعت) ۱۲:۰۰ امروز ← (۶ ساعت)

$$۲۴+۶+۷=۳۷$$

پس فاصلهٔ مدّنظر، یک شبانه‌روز و $۶+۷=۱۳$ ساعت است که سیزده ساعت بیشتر از یک شبانه‌روز یا $۲۴-۱۳=۱۱$ ساعت کم‌تر از دو شبانه‌روز است.

(تقویم، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۲- گزینهٔ «۳» *(امیرحسین اخیه)*

اگر از فرهاد شروع کنیم و او را راستگو فرض کنیم، بهرام دروغگو است، پس سیما دزد می‌شود و سخن او غلط؛ همچنین سخن علی هم دروغ می‌شود و دیانا راستگو:

سیما دزد × ← بهرام × ← فرهاد ✓

علی ×

فرهاد ✓

و این تنها حالت ممکن است.

(حقیقت‌یابی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۳- گزینهٔ «۳» *(امیرعلی حسینی‌زاده)*

بدترین حالت این است که آن که گل در دستان اوست، آخرین شخصی باشد که رضا از او سؤال می‌کند. مثلاً «محمد» در جدول زیر، در پاسخ به سؤال رضا:

حسن	علی	محمد
۱- خیر	۲- خیر	۳- خیر
۴- خیر	۵- خیر	۶- خیر
۷- خیر	۸- خیر	۹- معلوم است که پاسخ «محمد» «بله» است، پس همان هشت پرسش کافی است.

(حقیقت‌یابی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۴- گزینهٔ «۴» *(امیرحسن اخیه)*

برای نقض استدلال صورت سؤال، باید عددی بیابیم که مجموع رقم‌های یکان و دهگان و صدگان آن بر ۱۱ بخش‌پذیر باشد، ولی خود عدد بر ۱۱ بخش‌پذیر نباشد. ۳۱۶۴ چنین است.

(یکان و بخش‌پذیری، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۵- گزینهٔ «۳» *(حمید کنبی)*

یکان‌ها مهم است:

$$۱۷^{۱۷}+۱۹^{۱۹}+۲۱^{۲۱} \Rightarrow ۷^{۱۷}+۹^{۱۹}+۱^{۲۱}$$

هفت به توان هفده، یکانِ هفت دارد، چرا که هر چهار بار یکان برمی‌گردد:

$۷,۹,۳,۱,۷,۹,۳,۱,۷,...$

نُه به توان نوزده، یکان نُه دارد، چرا که هر دو بار یکان برمی‌گردد:

$۹,۱,۹,۱,...$

یک به توان هر عددی، یکانِ یک دارد.

پس داریم:

$$۷+۹+۱=۱۷ \Rightarrow ۷$$

(یکان، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۶- گزینهٔ «۲» *(فاطمه راسخ)*

سؤال نوعی جابه‌جایی است از دو مربع، یک دایره و یک مثلث. در هر مرحله از این الگو، داخلی‌ترین شکل به خارجی‌ترین شکل تبدیل می‌شود، پس در مرحلهٔ چهارم باید دایره که در مرحلهٔ قبل داخلی‌ترین شکل بود به خارجی‌ترین شکل تبدیل شود. دقت کنید اندازهٔ شکل‌ها متناسب با جایگاه آن‌ها تغییر می‌کند.

(الگوی خطی، هوش غیرکلامی)

۲۶۷- گزینهٔ «۴» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

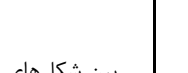

بین شکل‌های ، و در هر ستون، از الگوی صورت سؤال نوعی جابه‌جایی درون و بیرون وجود دارد. در هر ستون، هر یکی از شکل‌ها، یکی از سه طرح «بی‌رنگ»، «خال‌خال» و «کاملاً رنگی» را دارا است و این ثابت است.

(ماتریس، هوش غیرکلامی)

۲۶۸- گزینهٔ «۳» *(فاطمه راسخ)*

از تکرارها متوجه می‌شویم شکل‌هایی کـه تقـارنِ محـوری دارنـد کـد «الـف» و شکل‌های بدون این تقارن کد «ب» دارند. همچنین شکل‌هایی که با سه پاره‌خط ساخته می‌شوند کد «ج» و شکل‌هایی که با چهار پاره‌خط ساخته می‌شـوند کـد «د» می‌خورند. شکل نهایی بدون تقارن و با سه خط ساخته شده است.

(کدگذاری، هوش غیرکلامی)

۲۶۹- گزینهٔ «۱» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

دو دایره برای هر چشم، دو دایره برای هر دست، سه دایره برای هر پا و یک دایره برای بدن داریم:

$$(۲+۲+۳)\times۲+۱=۱۴+۱=۱۵$$

(شمارش، هوش غیرکلامی)

۲۷۰- گزینهٔ «۲» *(حمید کنبی)*

در شکل گزینهٔ «۱»، شکل وجود دارد که با هـیچ دورانـی بـه شـکل در نمی‌آید. شکل در گزینهٔ «۳» نیسـت. شـکل در گزینهٔ «۴» نیز معادل شکلِ رسم شده است که این دو نیـز بـا دوران به‌هم تبدیل نمی‌شوند.

(جزءیابی، هوش غیرکلامی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت